

بسم الله

مجموعه متون آموزشی طرح ضیافت اندیشه

قرآن / ۳

نهج البلاغه و معارف الهی / ۲۵

معرفی مهارت های زندگی / ۵۹

جریان شناسی فکری و فرهنگی ایران معاصر / ۹۹

درآمدی بر نظام سیاسی اسلام / ۱۳۳

تهدیدات نرم و جمهوری اسلامی ایران / ۱۸۲

فمینیسم و حقوق زن / ۲۱۹

مقدمه

ماه مبارک رمضان، ماه خدا و ماه همه کسانی است که رنگ خدایی شدن را در سر می‌پرورانند، ماه میهمانی دوست، ماه نزول زبور و تورات و انجیل، ماه نزول معجزه جاوید، قرآن کریم.

در این ماه بر سر سفرهای می‌نشینیم که سراسر نور و غفران و لطف خداوند است، در این ماه نفس کشیدن، تسبیح الهی و دعا مستجاب است. ماه شب‌های فراموش نشدنی، ماه خاطره‌های افطار و سحر، ماه خاطره‌های احیا و قرآن پر سر گرفتن‌ها در شب قدر، و از زیباترین و ماندگارترین خاطره‌ها، در کنار عزیزان دانشجو در مسجد دانشگاه و خوابگاه است. ولی آن وقتی که به یاد می‌آوریم این ماه عزیز تا نه سال دیگر از تقویم سال تحصیلی خارج شده است دل‌هایمان پر از اندوه می‌شود. مگر می‌شود با آن همه خوبی و خاطره‌های با هم بودن وداع نمود؟ مگر جمعی بهتر از جمع دوستان و جوانان و هم دانشکده‌ای‌ها و مسجد دانشگاه می‌توان پیدا نمود؟ این حسرت و اندوه وقتی دوچندان می‌شود که در اعمال شب قدر می‌خوانیم بهترین اعمال در شب قدر کسب علم است، با مدرسه و دانشگاه تعطیل و دور شدن از فرهیختگان و اساتید و محیط علمی به راستی چگونه این بهترین اعمال را انجام دهیم؟!

این‌ها بخشی از دغدغه‌های مسئولین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری بود که ما را بر آن داشت بر سر عهده‌ای که با خدای خود بسته‌ایم یعنی «با جوانان بودن در هر شرایط و زمان» بمانیم و طرحی نو به نام ضیافت اندیشه و ایمان مطرح کنیم.

در این طرح علاوه بر زنده شدن و استمرار همه آن خاطره‌های شیرین، بهتر از سال‌های گذشته فرصت خواهیم کرد که با معارف بلند دین آشناتر شویم و از محضر اساتید و علماء متعددی بهره گیریم.

البته مسائل آموزشی فقط بخشی از برنامه‌های این طرح خواهد بود و استفاده از برنامه‌های معنوی احیاء و اعتکاف در ماه مبارک رمضان و برنامه‌های افطار و سحر از مهمترین برنامه‌ها و انگیزه‌های اجرای این طرح است.

«طرح ضیافت اندیشه» در ماه مبارک رمضان، فرصتی نورانی در سال همت مضاعف و کار مضاعف برای رشد و بالندگی شما عزیزان دانشجو فراهم آورده است، با شرکت در برنامه‌های آموزشی و معنوی آن، نقطه عطفی برای خود رقم زده و زاد و توشه‌ای برای مسیر زندگی برچینید.

لازم به ذکر است که جزوه‌های آموزشی این طرح توسط گروه‌های علمی متخصص هر موضوع نگاشته شده است و سعی شده است که مطالب مفید و مهمی در حوزه دین برای شما عزیزان تدوین گردد. ما خوشحالیم با وجود کمبود وقت گر چه از نظر شکلی و ویرایشی فرصت زیادی برای اصلاحات لازم جزوه‌ها نداشتیم ولی متن‌های قابل ارائه‌ای از نظر علمی برای استفاده عزیزانمان آماده گشت.

آنچه پیش رو دارید حاصل هم‌فکری و بهره‌مندی از آثار قلمی اساتید متعددی در گروه‌های ذیل می‌باشد:

قرآن به مدیریت استاد قتادی و نجارزادگان

نهج البلاغه به مدیریت استاد عمادی و طاهری

مهارت زندگی به مدیریت استاد کرمی

نظام سیاسی به مدیریت استاد شاکرین

جریان‌شناسی به مدیریت استاد خسرویناه

فمینیسم به مدیریت سرکار خانم آیت اللهی

البته در هر گروه، اساتید دیگری همکاری و ایفای نقش نموده‌اند که نام آنان در مقدمه مدیر گروه یا در ابتدای هر بحث ذکر گشته است.

ضمن تشکر و قدردانی از همه بزرگواران دوام توفیقات این عزیزان را جهت خدمت بیشتر به مکتب اهل بیت علیهم السلام و ارتقاء فرهنگ دینی جامعه به خصوص دانشگاهیان از خداوند متعال مسئلت داریم.

بر آنیم انشاءالله طرح‌هایی از این دست، با همراهی شما عزیزان تداوم یابد و کاستی‌های آن با پیشنهادات و نظرات شما بر طرف گردد.

معاونت آموزش و تبلیغ نهاد

The background is a teal color with a fibrous, paper-like texture. It is framed by decorative borders at the top and bottom, consisting of a series of small, repeating circular patterns.

تهدیدات نرمو جمهوری اسلامی ایران

پیشگفتار

«غرب به یک سرزمین خلاصه نمی‌شود و فقط یک مجموعه دینی، اخلاقی، نژادی یا حتی اقتصادی نیست. غرب به مثابه یک واحد مرکب این جلوه‌های گوناگون، یک مجموعه فرهنگی و یک پدیده تمدنی است.»^(۱)

تمدن غرب یک کلیت است. یک فرهنگ، یک گفتمان، یک قدرت با همه جوانبش. فرهنگی که ابزارهای مناسبش را هم سامان داده است. قدرتی که دانش مورد نیاز و مقتضی خود را هم تولید کرده است.

این سیطره که به مدد نوگرایی و تحول غرب پس از رنسانس و انقلاب صنعتی پدید آمد، تمدنی را پایه ریخت که در ذات و بنیان خود میل به گسترش داشت و نمی‌توانست در یک موقعیت جغرافیایی خاص محصور بماند.^(۲) بر همین اساس لشکرکشی‌ها و تصرف‌ها و حمله‌ها را آغاز کرد.

انقلاب اسلامی ایران ضربه سنگینی بر استیلای جهان غرب وارد آورد و او را به مقابله و جبران کشاند. تحلیل‌های غلط و نارسا از ماهیت انقلاب اسلامی، قدرت‌های استکباری را در وهله اول به این نتیجه رساند که می‌توانند با استفاده از برتری نظامی و تسلیحاتی خود و در قالب جنگی سخت و طاقت فرسا این سد مستحکم که مانعی بر سر راه آنان شده بود را از میان بردارند. چنین بود که از یک سو به حمایت مالی و معنوی بی‌دریغ از گروه‌ها و احزابی پرداختند که با اهداف مختلف نظیر تجزیه طلبی و کسب قدرت سیاسی به مبارزه‌ی داخلی با نظام مشغول شده بودند و از سوی دیگر رژیم صدام حسین را به جنگ‌افروزی علیه جمهوری اسلامی برانگیختند. امروزه بسیاری از صاحب‌نظران بر این قول اتفاق دارند که جنگ هشت‌ساله ایران و عراق یک جنگ مرسوم میان دو ملت نبود، بلکه در حقیقت صف‌آرایی کل جهان غرب و قدرت‌های استکباری با یک نظام نوپای مذهبی بود. جنگی که بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و شرق و غرب، به طور مستقیم و غیرمستقیم با تجهیز و حمایت مادی و معنوی از کشور مهاجم نقش آفرینی می‌کردند و بدین معنا در آن ذی‌نفع بودند.

رهبری حضرت امام‌رحمه‌الله و روحیه سلحشوری و مقاومت و شهادت‌طلبی مردم که ریشه‌ای عمیق در باور و اعتقادشان به حماسه عاشورا و مکتب اهل‌بیت‌علیهم‌السلام داشت؛ در نهایت پروژه‌ی استکبار در مقابله با نظام اسلامی را به شکست کشاند. برخورد نظامی گزینه‌ای بود که قدرت‌های استکبار در بسیاری از موارد به کار بسته بودند و همیشه هم کمابیش نتیجه مطلوب عایدشان شده بود. اما نتیجه هشت سال جنگ با ایران به آنان به خوبی این واقعیت را چشاند که این قدرت، ریشه‌ای دیگر دارد و این نمونه با همه نمونه‌های دیگر تفاوت می‌کند. از این رو می‌طلبید که برای مقابله با آن ابزاری دیگر به کار بست و روشی دیگر در پیش گرفت. چنین بود که جنگی دیگر در قالب نرم و بدون استفاده از ابزارهای جنگی و ادوات نظامی بلکه با بهره‌گیری از ابزارها و قالب‌های فرهنگی، فکری، هنری و رسانه‌ای آغاز شد.

حال با پیشرفت‌ها و نوآوری‌هایی که در عرصه رسانه‌های ارتباطی رخ داده است؛ مانند ظهور اینترنت و نسل جدید ماهواره‌ها، این سیطره‌جویی شکلی نوین یافته بود و دیگر اثری از موانع جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی در مقابل رشد و گسترش و نفوذ خود در ملل مختلف نمی‌بینند. حمله‌ای که نه فقط ایران، بلکه همه فرهنگ‌های غیرغرب از خاور دور تا آفریقا و تا کشورهای عربی را هدف گرفته بود. و البته ایران پس از انقلاب به جهت میزان خطر آفرینی و قدرت چالش‌طلبی بالای خود در این میان آماج حملات بیش‌تر قرار گرفت. تغییر و تحولاتی که پس از خاتمه جنگ و به تبع سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی با شعار توسعه و اصلاح در کشور به اجرا درآمد نیز زمینه جنگ نرم را خواسته یا ناخواسته فراهم ساخت.

در این مقطع، در بین مسئولین نظام بی‌شک کسی که بیش‌ترین دغدغه را نسبت به وجود جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی داشته و آن را بارها ابراز داشته‌اند شخص رهبری معظم انقلاب بوده‌اند. البته ایشان در دوران ریاست جمهوری هم همواره این دغدغه را داشتند، اما از آغاز دوران رهبری‌شان این خطر را با ادبیات مختلف گوشزد کرده و مسئولان را به چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی‌های مقتضی فراخواندند. ایشان با

اشاره به تجربه تلخ اندلس اسلامی و سقوط آن به جهت هجوم فرهنگی غرب و مسیحیت، نسبت به تکرار آن تجربه در ایران اسلامی هشدار می‌دادند. بیش‌ترین تعبیری که در ادبیات ایشان در این موضوع به چشم می‌خورد «تهاجم فرهنگی» است. ایشان از همان ماه‌های آغازین رهبری خود این تعبیر را در سخنرانی‌ها و بیانات خود به کار بردند.^(۳) مروری بر بیانات ایشان نشان می‌دهد که در آن مقطع این تعبیر بیش‌ترین موارد استفاده را داشته است. از جمله:

«امروز، تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام هست که مستقیم به انقلاب ارتباطی ندارد و وسیع‌تر از انقلاب است، بر علیه اسلام است. یک تهاجم فوق‌العاده‌ی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با ابعاد گسترده علیه اسلام، یعنی حتی اسلامی [ابتدایی و عادی] که میان توده‌ی مردم مثلاً الجزایر است. فقط یک استثناء دارد و آن اسلام وابسته به دستگاه‌های استعماری و فهدگونه است. جاهایی که به طور مستقیم به این اسلام مربوطان، از این تهاجم مستثنا هستند!! و الا حتی اسلام به معنای اعتقاد عوامانه مردم هم مورد تهاجم است، چه برسد به اسلام ناب، اسلام انقلاب، اسلام به تفسیر ایران به تعبیر خودشان؛ آن که دیگر وضعیتش روشن است.»^(۴)

رهبر انقلاب بر استفاده از تعبیر «جنگ» برای این هجوم تأکید ویژه‌ای دارند. «مسأله فرهنگ را به معنای واقعی کلمه، یک «جنگ» به حساب بیاورید. البته این حرف‌ها شاید برای آقایان تکراری باشد، اما من تأکید می‌کنم. علت هم این است که در طول این سال‌ها هر چه در این زمینه گفته شده، درست فهم نشده است.»^(۵) تعبیر دیگری که رهبری معظم انقلاب در تبیین هجوم فرهنگی دشمن به کار برده‌اند تعبیر «ناتوی فرهنگی» است:

«من پیروز در روزنامه... گزارشی از تشکیل «ناتوی فرهنگی» را خواندم. یعنی در مقابل پیمان ناتو که آمریکایی‌ها در اروپا به عنوان مقابله با شوروی سابق یک مجموعه مقتدر نظامی به وجود آوردند؛ اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه خاورمیانه و آسیا و غیره از آن استفاده می‌کردند، حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند. این بسیار چیز خطرناکی است. البته حالا هم نیست؛ سال‌هاست که این اتفاق افتاده است.

مجموعه زنجیره‌ی به هم پیوسته رسانه‌های گوناگون - که حالا اینترنت هم داخل‌اش شده است و ماهواره‌ها و تلویزیون‌ها و رادیوها - در جهت مشخصی حرکت می‌کنند تا سر رشته تحولات جوامع را به عهده بگیرند. حالا که دیگر خیلی هم آسان و رو راست شده است!!»^(۶)

اما آخرین و جدیدترین تعبیری که ایشان از هجوم مذکور داشته‌اند، مفهوم «جنگ نرم» است که گستره‌ای فراتر از تهاجم فرهنگی دارد. ایشان بر وظیفه دانشگاه و دانشگاهیان در این راستا تأکید ویژه دارند؛

«انتظاری که از اساتید دانشگاه‌ها در این جنگ و مبارزه نرم می‌رود فراتر از انتظاری است که از دانش‌جویان وجود دارد. دانشجویان افسران جوان این جبهه هستند که ضمن دارا بودن فکر، عمل، و بصیرت، در صحنه نیز حضور دارند و با آزمودن صحنه، در چهارچوب کار می‌کنند. اما اساتید دانشگاه‌ها فرماندهان جبهه جنگ نرم هستند. فرماندهان این جبهه باید با شناخت مسایل کلان، شناسایی دشمن و کشف اهداف او، طراحی کلان انجام دهند و بر اساس این طراحی حرکت کنند.»^(۷)

«در این جنگ نرم وظیفه مجموعه‌های فرهنگی این است که هنر را تمام عیار و با قالبی مناسب به میدان آورد تا اثرگذار شود.»^(۸)

رهبر معظم انقلاب بارها برای مقابله با این هجوم بر لزوم تشکیل جبهه‌ای فرهنگی متناسب با جبهه دشمن تأکید کرده‌اند.

«مسأله، مسأله ایران و اسلام است. مسأله عزیزترین اندوخته‌های یک ملت است. دشمن می‌خواهد با این اندوخته‌ها شوخی کند و او را به بازی بگیرد. لذا باید جبهه فرهنگی و سنگرهای فرهنگی به وجود بیاید و امروز روز کار است و باید همه کار کنند. امروز روزی است که همه آن کسانی که استعداد دارند باید در زمینه فرهنگی کار کنند و کارهای نشده هم زیاد است. این آن چیزی است که مورد خطاب من به

جلسه اول

سیر تحول تاریخی استعمار

بررسی‌های تاریخی در زمینه چگونگی شکل‌گیری کانون‌های قدرت نشانگر آن است که در تاریخ جهان، سه شیوه استعماری (کهن، نو و فرانو) از سوی قدرت‌های بزرگ، علیه قدرت‌های ضعیف به کار گرفته شده است؛

دوره اول: استعمار کهن یا کلاسیک

استعمار کلاسیک پس از رنسانس و متحول شدن جهان غرب از قرن ۱۶ میلادی آغاز شد و تا جنگ جهانی اول به مدت ۴۰۰ سال ادامه داشت. در این دوره، سلطه قدرت‌های بزرگ بر جوامع ضعیف، از طریق تسخیر نظامی انجام می‌شد و استثمار ملت‌ها با اشغال مستقیم نظامی همراه بود.

مشخصات استعمار کلاسیک

۱. لشگرکشی از سرزمینی به سرزمین دیگر.
 ۲. غارت اقتصادی و ازدیاد حوزه نفوذ و سلطه از طریق حضور مستقیم فیزیکی.
 ۳. استفاده از قدرت نظامی برتر به مثابه مهم‌ترین ابزار سلطه.^(۱۲)
- نقاط ضعف استعمار کلاسیک یا کهن
۱. لشگرکشی نظامی نیازمند هزینه سنگین مالی بود.
 ۲. اشغال نظامی کشورها همراه با تبلیغات زیاد انسانی و ضایعات حیثیتی بود.
 ۳. حضور فیزیکی قوای نظامی اشغالگران در سرزمین‌های اشغالی، زمینه‌ساز قیام ملت‌ها علیه اشغالگران بود و تداوم سلطه را پرهزینه می‌ساخت.^(۱۳)

دوره دوم: استعمار نئوکلاسیک یا استعمار نو

استعمار نو از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، رواج یافت و به مرور زمان، جایگزین استعمار کهن یا کلاسیک گردید. زیرا نسبت به استعمار کلاسیک، از مزایای بسیار برخوردار بود. این دوره پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم رشد چشم‌گیری یافت. ابداع‌کننده اصلی این سیاست حکومت بریتانیا بود. در این دوره دست‌نشانگانی مانند رضاخان در ایران، آتاتورک در ترکیه و ظاهرشاه در افغانستان، به قدرت رسیدند.

مشخصات استعمار نئوکلاسیک

ویژگی‌های استعمار نو عبارتند از:

۱. به کارگیری نیروهای مزدور و وابسته بومی از طریق مستشاران اقتصادی، نظامی و امنیتی؛
۲. حاکمیت نامحسوس اما قوی بر حاکمان؛
۳. چپاول و غارت ثروت‌های ملی و ذخایر زیرزمینی و مواد خام کشورهای زیرسلطه، از طریق انعقاد قراردادهای استثماری؛
۴. تبدیل کشور زیرسلطه به بازار فروش محصولات خویش؛
۵. هجوم به فرهنگ ملی و بومی کشور زیرسلطه، از طریق تهی‌سازی فرهنگی؛
۶. ترویج و گسترش فرهنگ کشور سلطه‌گر در افکار عمومی کشورهای زیرسلطه با هدف تداوم و تضمین بقای سلطه سیاسی، با ایجاد کانون‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایجاد احزاب وابسته؛^(۱۴)
۷. تهاجم به مذهب از طریق اشاعه سکولاریسم، ترویج لائیسزم، حفظ قالب‌ها و تهی‌سازی مفاهیم از محتوای اصلی، ایجاد و گسترش ادیان و فرق خودساخته، مانند بهائیت و ترویج مکاتب و ایدئولوژی‌های مبتنی بر امانیسم با هدف کمرنگ ساختن نقش مذهب در جامعه، جداسازی دین از سیاست، کاهش ایمان و بی‌هویت ساختن جامعه؛

همه اهل فکر و فرهنگ و هنر و ادب و دانش و معلومات و معارف است و این را یک چیز لازمی می‌دانم».^(۹)

«لازم است در میان ادبا و روشن‌فکران و نویسندگان و شعرا و هنرمندان و سینماگران و دانشمندان و اساتید، یک بسیج عمومی برای مقابله با جریان تهاجم فرهنگی که دشمن هدایت می‌کند انجام بگیرد».^(۱۰)

جنگ نرم، مسأله امروز ماست. جنگی که بخواهیم و نخواهیم درگیرش هستیم و از عواقب و نتایج‌اش متأثر می‌شویم. و این علاوه بر هوشیاری و بصیرت مسئولین و همه شهروندان و علاقه‌مندان نظام اسلامی، ضرورت اندیشیدن تدابیری در راستای دفاع و تقابل با این جنگ را افزون‌تر می‌سازد.

رهبر معظم انقلاب در این باره تأکید می‌کنند که: هر دفاع و نبردی در این جبهه بدون داشتن شناخت کامل و جامع از منطقه عمل و بدون تجهیز کامل به ابزارهای آن عبث و بیهوده است.^(۱۱)

ملت‌ها، پایه‌ریزی گردیده است. سست کردن پایه‌های وحدت ملی، تشدید اختلافات داخلی، بی‌تفاوت ساختن مردم، از مهم‌ترین محورهای القایی استعمار فرانسه است. استراتژیست‌های نظام سلطه و طراحان سیاست‌های استعماری، با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های پیشرفته و فناوری‌های مدرن اطلاعاتی و ارتباطی، در پی تأثیرگذاری بر مبانی اعتقادی و رفتار مذهبی و ملی مردم هستند. در دوران استعمار کهن و استعمار نو، امکان تأثیرگذاری مستقیم بر افکار عمومی کمتر بود. این امکان اکنون با رشد و توسعه فناوری بیشتر پدید آمده است.^(۱۷)

مشخصات استعمار فرانسه

رشد و توسعه تکنولوژی در آغاز قرن ۲۱ و هزاره سوم میلادی، فضایی نوین را بر جهان حاکم ساخته است که ویژگی‌های آن عبارتند از:

۱. کاهش کنترل حکومت‌ها بر ملت‌ها
در طول تاریخ، تمامی حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی می‌توانستند جوامع تحت حاکمیت خود را متناسب با سلیقه و مصالح خود اداره کنند؛ و براساس خواست حکومت‌کنندگان حرکت کنند؛ موضوعاتی را در جامعه اشاعه دهند یا مانع از ترویج موضوعات دیگر شوند. دولت‌ها از اختیارات لازم بر خوردار بودند و می‌توانستند تصمیم بگیرند که چه اخبار و اطلاعاتی باید در اختیار مردم قرار گیرد و چه اخبار و اطلاعاتی پخش نشود.

از سوی دیگر، بیگانگان نیز امکان تأثیرگذاری مستقیم بر افکار عمومی ملت‌ها را نداشتند؛ مگر اینکه کشوری را به اشغال خود درآورده و با در اختیار گرفتن زمام امور، جوامع تحت اشغال خود را متناسب با خواست خود اداره کنند و برخی از اخبار و اطلاعات را در جامعه پخش کنند یا مانع پخش برخی اخبار شوند یا براساس سیاست نئوکلانیستی، مزدوران خود را بر مقدرات ملتی حاکم کنند و آنان در راستای اهداف نظام‌های سلطه‌گر، به افکار عمومی شکل دهند.

در اواخر دوران استعمار کهن و نو مهم‌ترین ابزار تأثیرگذاری رادیو بود. رادیو نیز نتوانست قرنطینه‌های اطلاعاتی فرهنگی سیاسی حکومت‌ها را بشکند؛ زیرا با ارسال پارازیت، قابل کنترل گردید؛ لیکن در دوران نوین، با اختراع ماهواره، اینترنت، کامپیوتر و تکنولوژی‌های جدید مخابراتی و توسعه ICT و IT و شبکه‌های رادیو تلویزیونی، کشورهای توسعه یافته غرب و صاحبان تکنولوژی این توانایی را به دست آوردند که بدون هیچ مانعی، به طور مستقیم، با دورترین نقاط جهان، ارتباط برقرار کنند؛ قرنطینه‌های سیاسی و تبلیغاتی حکومت‌ها را بشکنند و خارج از کنترل دولت‌ها، بر افکار عمومی ملت‌ها، تأثیر مستقیم بگذارند. این امر تحولاتی ژرف در مناسبات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جهان پدید آورده است.^(۱۸)

۲. تبدیل دانش و فناوری به مزیت اصلی

تا سال ۱۹۰۰ و در دوران استعمار کهن، مزیت اصلی، دستیابی به قدرت نیروی انسانی بود. هر کشوری که از سربازان فراوان‌تر، نیروی انسانی قوی‌تر و توان کار بیشتر برخوردار بود، بر دیگر کشورها برتری داشت. در دوران استعمار نو، مزیت اصلی قدرت را سرمایه و دستیابی به مواد خام و بازار فروش، به رقابت شدید میان قدرت‌های استعمارگر و ظهور جنگ جهانی اول و دوم انجامید و سپس جنگ سرد را پایه‌ریزی کرد؛ ولی در دوران استعمار فرانسه، دستیابی به اطلاعات، دانایی، دانش فنی، تکنولوژی و صنعت، مزیت اصلی دستیابی به قدرت است. هر ملتی که از علم، دانش فنی، تکنولوژی و صنعت، بهره بیشتری داشته باشد از دیگران قوی‌تر می‌گردد و می‌تواند برتری خود را بر دیگران دیکته کند.^(۱۹)

۳. افکارسازی و حکومت بر اذهان

با افزایش سرعت انتقال اطلاعات و گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات و با ظهور ماهواره، اینترنت و کامپیوتر و امکان ارسال مستقیم پیام و ارتباط با مخاطبان که به شکسته شدن قرنطینه‌های سیاسی، تبلیغاتی، فرهنگی و اطلاعاتی حکومت‌های بومی انجامید، ذهنیت‌سازی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جنگ روانی، تبلیغاتی و

۸. ایجاد کانون‌های مخفی کادرسازی به منزله پشتوانه حاکمیت سیاسی، از طریق تشکلهای منسجم و محافل خاص، مانند سازماندهی انواع لژهای فرما سونری، برای اداره سرزمین‌های استعمار شده و پیشبرد اهداف در مستعمرات؛

۹. سلطه‌گران برای اعمال سلطه خویش، بر مبنای سیاست نئوکلانیستی، از ابزارهایی چون وابستگی پنهانی حاکمان بومی، سیاست‌گذاری برای کشور زیر سلطه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی، برپایی حکومت‌های مستبد و دیکتاتور، سرکوب مبارزان، آزادی‌خواهان و استقلال‌طلبان و تبدیل کشور زیرسلطه به حافظ منافع سلطه‌گر در منطقه، بهره می‌بردند. در این چهارچوب، به رغم وجود رقابت شدید میان کشورهای استعمارگر، نوعی وحدت رویه و هماهنگی میان آنها، برای تثبیت منافع مشترک به چشم می‌خورد.

۱۰. آثار و پیامدهای سیاست نئوکلانیستی به طور عمده، عبارت است از: تخریب فرهنگ ملی و بومی، ایجاد فرهنگ التقاطی، وابستگی اقتصادی، ایجاد اقتصاد تک‌بعدی در کشور زیرسلطه، بی‌هویتی فرهنگی، وابستگی شدید نظامی - امنیتی؛ ۱۱. در استعمار نو، کشور زیرسلطه متحد کشور سلطه‌گر خوانده می‌شد و نیروهای مبارز و آزادی‌خواه در تبلیغات جهانی، تروریست نامیده می‌شدند و کشور زیر سلطه از هر گونه تعرض بین‌المللی در عرصه نقض حقوق بشر و عدم پای‌بندی به آزادی‌های سیاسی در امان خواهد بود؛ در عوض، مبارزان، استقلال‌طلبان و آزادی‌خواهان در معرض تهاجمات شدید تبلیغاتی و سیاسی قرار داشتند و با برچسب‌هایی چون فنانیک و تروریست، مرتجع و... روبرو می‌شوند.

۱۲. زمینه‌های رشد افراد در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، امنیتی، هنری، ادبی، بستگی تام و تمام به میزان وابستگی و شدت ارادت آنان به نظام سلطه‌گر دارد و نیروهای مستقل زمینه‌ای برای رشد و فعالیت ندارند.

۱۳. اگر پایه‌های سلطه راز و زور و تزویر بدانیم، در استعمار نو، نقش تزویر کلیدی است؛ چنان که در استعمار کهن نقش نیروی نظامی محوری و اساسی است.

۱۴. در استعمار نو، حکومت‌های زیر سلطه قدرت خویش را از طریق نظام سلطه‌گر کسب و به همان اندازه که در مقابل نظام سلطه‌گر، رام و مطیع‌اند، علیه ملت خود، با شدت و خشونت برخورد می‌کنند عوامل بومی وابسته، به ویژه حاکمان به شدت، در پی ترویج شیوه زندگی و آداب و رسوم فرهنگ سلطه‌گر در میان ملت خود بودند.^(۱۵)

نقاط ضعف استعمار نئوکلانسیک

سیاست نئوکلانیستی یا استعمار نو، اگرچه از تلفات زیاد نیروهای کشور سلطه‌گر در امان بود؛ اما اشکالات زیادی داشت. از جمله:

۱. نیروهای مزدور و وابسته بومی، به دلیل فقدان پایگاه مردمی، معمولاً با کودتا، روش‌های نامشروع و غیرقانونی، زمام امور را به دست می‌گرفتند سازماندهی کودتا تا هزینه‌های مالی و حیثیتی بسیاری را بر سلطه‌گران تحمیل می‌کرد.

۲. ماهیت مزدورانی که زمام امور ملت‌ها را در دست می‌گرفتند، خیلی زود بر ملت‌ها آشکار می‌گشت. از این رو، چاره‌ای نداشتند جز آن که با دیکتاتوری و خفقان حکومت کنند. این امر سلطه‌گران را با تضاد و تعارض روبرو می‌ساخت؛ زیرا دفاع از دیکتاتورهای مستبد، با شعار طرفداری از حقوق بشر، دموکراسی، لیبرالیسم، کرامت انسان و... منافات داشت.

۳. وابستگی حاکمان و استبداد و دیکتاتوری آنان سبب بسیج توده‌های مردمی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی، بر محور کسب استقلال و آزادی می‌گردید.^(۱۶)

دوره سوم: استعمار فرانسه

استعمار فرانسه و سلطه‌گری نوین، مبتنی بر ایجاد تغییر در جهان‌بینی، فرهنگ، باورها، بینش‌ها، رفتار نگرش‌های سیاسی با هدف تغییر نامرئی و نامحسوس هویت

دستیابی به اهداف خویش، بیشترین سرمایه‌گذاری را در بخش تهاجم فرهنگی و جنگ نرم برای جهانی جهانی سازی فرهنگی و هویتی انجام می‌دهد. نوک پیکان نیز در مرحله نخست، به سوی جهان اسلام و سپس چین، روسیه و هندوستان است. کاهش و حذف تدریجی قدرت تأثیرگذاری رسانه‌های ملی، با هدف ارتقای توان تأثیرگذاری و جایگزین شدن رسانه‌های ماهواره‌ای، از طریق دگرگون سازی سلیقه مخاطبان در سراسر جهان، منزوی کردن فرهنگ‌های بومی و خرده فرهنگ‌ها، تخریب و حذف اندیشه‌های استقلال طلبانه و فرهنگ‌های غنی و متعالی، گسترش میانی فرهنگ غربی، محاصره اطلاعاتی و سیاسی مخاطب و بمباران‌های مستمر خبری در فرد، خانواده و اجتماع، با به کارگیری انواع شیوه‌های روان شناسی فردی و اجتماعی، در دستور کار نظام تبلیغاتی و رسانه‌ای استعمار فرانو قرار دارد.^(۳۳)

۷. حاکمیت بر سازمان‌ها و قوانین بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی و قوانین جهانی در پیشبرد اهداف استعمارگران فرانو از اهمیت بسیار برخوردار است. جهانی شدن و جهانی سازی نیازمند نظم، ثبات و امنیت است. نهادهای بین‌المللی به ابزارهای مهم برای ایجاد نظم جهانی، در خدمت منافع رهبران هشت کشور صنعتی قرار دارند.

به عبارت دیگر، در نظام‌های طراحی شده از سوی سیاست‌گذاران استعمار فرانو، سازمان‌های بین‌المللی مجری خطمشی‌های قدرت‌های مسلط جهانی هستند تا از این طریق، استراتژی جهانی سازی اقتصادی، فرهنگی و هویتی تحقق یابد و حکومت‌های حاکم بر کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه، در چهارچوب قوانین بین‌المللی و نهادهای جهانی قرار گیرند. در استعمار فرانو، به تدریج، از قدرت و توان حکومت‌ها و دولت‌ها کاسته می‌شود و بر حوزه اختیارات سازمان‌های جهانی افزوده می‌گردد. تصمیم‌گیری حکومت‌ها، محدود می‌شود و نظارت مجامع جهانی بر عملکرد دولت‌ها افزایش می‌یابد.^(۳۴)

پانویس:

- (۱) غربی سازی جهان، ص ۶۷.
- (۲) جنگ نرم و وضعیت کنونی ما، صص ۱۴-۱۵.
- (۳) جنگ نرم و وضعیت کنونی ما: ۲۹-۳۴.
- (۴) بیانات رهبری ۱۳۶۸/۹/۷.
- (۵) بیانات رهبری ۱۳۸۶/۶/۲۰.
- (۶) بیانات رهبری ۱۳۸۵/۸/۱۸.
- (۷) بیانات رهبری ۱۳۸۸/۶/۸.
- (۸) بیانات رهبری ۱۳۸۸/۶/۱۶.
- (۹) بیانات رهبری ۱۳۷۲/۵/۵.
- (۱۰) بیانات رهبری ۱۳۸۵/۸/۸.
- (۱۱) جنگ نرم و وضعیت کنونی ما: ۴۱-۴۰.
- (۱۲) استعمار فرانو: ۷۱-۷۰.
- (۱۳) استعمار فرانو: ۷۳-۷۲.
- (۱۴) آمریکا و انگلیس، برای پیشبرد سیاست‌های خود در ایران، به تشکیل‌های فراماسونری و روشنفکران غرب‌زده روی آوردند و اردوگاه شرق به ایجاد احزاب وابسته، مانند حزب توده پرداخت.
- (۱۵) استعمار فرانو: ۷۷-۷۳.
- (۱۶) استعمار فرانو: ۷۷-۷۸.
- (۱۷) استعمار فرانو: ۸۰-۷۹.
- (۱۸) استعمار فرانو: ۸۰-۸۲.
- (۱۹) استعمار فرانو: ۸۲.
- (۲۰) استعمار فرانو: ۸۳-۸۲.
- (۲۱) استعمار فرانو: ۸۴.
- (۲۲) استعمار فرانو: ۸۶-۸۵.
- (۲۳) استعمار فرانو: ۸۶-۸۸.
- (۲۴) استعمار فرانو: ۸۹-۸۸.

فرهنگی، اهمیت بسیار یافته است که به هیچ روی، قابل قیاس با گذشته نیست. جنگ روانی، تبلیغاتی و فرهنگی در مقایسه با جنگ نظامی و اقتصادی، از هزینه کمتر و تأثیر بیشتری برخوردار است. توسعه تکنولوژی و رشد فناوری شرایطی را بر جهان حاکم ساخته که جهانی سازی اقتصاد، استحاله سیاسی، فرهنگی، همراه با جنگ روانی و تبلیغاتی، محور اصلی استراتژی استعمارگران فرانو است.

جنگ روانی - تبلیغاتی به معنای تلاش هدفمند و برنامه‌ریزی شده برای تخریب یا تضعیف روحیه و قدرت مقاومت یک ملت است و هدف آن تحمیل اراده و تأثیرگذاری بر افکار، عقاید، عواطف، مواضع و رفتار ملت‌هاست.

جذب افراد یا تبدیل آنان به ستون پنجم، از طریق ایجاد روحیه یأس و نومیدی، مخدوش ساختن اعتماد، ایجاد اختلاف و انشقاق، سست کردن انسجام درونی، از بین بردن وحدت فرماندهی در نیروها ایجاد گسست میان نظام حکومتی و مردم، ترور شخصیت رهبران با دروغ‌پرانی، شایعه‌سازی، اشاعه اطلاعات نادرست و... تأثیرگذاری مستقیم بر ملت‌ها را به اجرا درمی‌آورد.^(۳۵)

۴. جهانی سازی قوانین و مقررات

ویژگی دیگر دوران نوین در استعمار فرانو عبارت است از تعیین قوانین و مقررات بین‌المللی و تدوین خطمشی‌های اجرایی و سیاست‌های کلان حاکم بر مناسبات جهانی و روابط بین‌المللی، از سوی کشورهای توسعه یافته غرب و اجرای آن سیاست‌ها از طریق سازمان‌های بین‌المللی و مجامع جهانی، ایجاد کنوانسیون‌های مختلف و رسمیت بخشیدن به آنها و ملزم ساختن کشورهای ضعیف به اجرای مفاد کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های الحاقی، از یک سوی و نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی و در اختیار گرفتن رهبری آنها، از سوی دیگر، از محورهای مهم استراتژی استعمار فرانو است که در دوران جدید، به اجرا درمی‌آید.^(۳۶)

۵. جهانی سازی اقتصاد

در استعمار فرانو، همگرایی جهانی در مناسبات اقتصادی و جهانی سازی اقتصاد و تجارت، محور اصلی تحرکات و اقدامات اقتصادی در شرایط کنونی جهان است؛ زیرا جهانی سازی اقتصاد و ایجاد همگرایی اقتصادی در مناسبات بین‌المللی، بر توزیع جهانی قدرت به نفع کشورهای پیشرفته و تحکیم رهبری آنها بر اقتصاد جهانی، تأثیر اساسی خواهد داشت.

از آنجا که سر رشته بازهای پولی و مالی و رهبری سازمان‌های بازرگانی و تشکلهای تسهیل کننده دانش و فناوری و اقتصاد، همراه با اختیار قانون سازی در نظام اقتصاد جهانی، در اختیار کشورهای ثروتمند غربی است، منبع درآمد و معیشت ملت‌های جهان سوم، با بین‌المللی شدن اقتصاد و یکپارچگی تجاری و صنعتی، در دست کشورهای سلطه‌گر قرار خواهد گرفت. این فرآیند به تضعیف اقتصادهای ملی و افزایش وابستگی خواهد انجامید.^(۳۷)

۶. یکسان سازی فرهنگی

تضعیف و تخریب فرهنگ ملت‌ها و حاکمیت بخشیدن به فرهنگ غربی و وارداتی، امری زیربنایی و حیاتی برای غرب است؛ زیرا:

- الف. یکسان سازی فرهنگی سبب سست شدن قدرت مقاومت ملت‌ها خواهد شد؛
- ب. یکسان سازی فرهنگی بقا و دوام جهانی سازی را به همراه دارد؛
- ج. با یکسان سازی فرهنگی تبدیل کشورها به بازار فروش محصولات غربی تسریع می‌شود؛
- د. با یکسان سازی فرهنگی جهت دادن به افکار عمومی جهانیان، تسهیل می‌گردد؛

ه. یکسان سازی فرهنگی زمینه‌ساز تسلط سیاسی، امنیتی است؛

و. با یکسان سازی فرهنگی، موانع حاکمیت نظام تک‌قطبی از میان می‌رود؛

ز. با یکسان سازی فرهنگی قوانین نظام سلطه حالت فرا مرزی می‌یابد.

ح. یکسان سازی فرهنگی بقای سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را تضمین می‌کند.

غرب که طراح اصلی دوره سوم استعمار و مبتکر نظم نوین جهانی است، برای

جلسه دوم

راه‌های تغییر ساختار حکومت

صرف‌نظر از تغییرات قانونی در دولت‌ها و مسئولین که نتیجه طبیعی برگزاری انتخابات مورد توافق جناح‌ها و گروه‌های سیاسی رقیب در هر نظام سیاسی است، به طور کلی راه‌های ایجاد تغییر اساسی در ساختار حکومت را با نام‌های مختلفی چون کودتا، انقلاب، جنگ، جنبش، اصلاح و شورش می‌دانند.

۱. کودتا

تغییر ناگهانی دولت با توسل به زور و به دست مقامات ارتشی و نظامی حکومت را «کودتا» می‌نامند. در کودتا نظام حکومتی دچار دگرگونی‌های اساسی نمی‌شود.^(۱) کودتا با انقلاب تفاوت‌های زیادی دارد. از جمله: کودتا برخلاف انقلاب، مستلزم بسیج مردم نیست، کودتا به طور معمول ایدئولوژی فراگیر ندارد. روند کودتا سریع‌تر است. شرایط لازم برای کودتا سهل‌تر و در دسترس‌تر است.

۲. شورش

شورش به معنی مبارزه با اقتدار سیاسی موجود است؛ اما هدف آن تعویض اشخاصی است که در رأس اموراند، نه دگرگونی خود ساختار سیاسی^(۲)، گستره محدود، بی‌نظمی و ناهماهنگی و فقدان رهبری یا رهبری پراکنده اعتراضات، از دیگر خصوصیات شورش است.

۳. اصلاحات

کوشش برای تغییر محتاطانه در ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه در عین اجتناب از خشونت را اصلاحات یا فرم^(۳) می‌نامند. اصلاحات با انقلاب تفاوت‌های مهمی دارد. از جمله:

۱. در انقلاب نارضایتی عمومی و فراگیر از وضعیت موجود جامعه و نوبیدی از اصلاح و بهبود امور و شرایط وجود دارد اما در اصلاحات اجتماعی، نارضایتی در حد اعتراض به برخی از اشتباهات و کمبودهای موجود است.
 ۲. در انقلاب مبارزات اجتماعی با خشونت و کوبندگی همراه است؛ اما در اصلاحات، مبارزه اغلب بدون خشونت است و هر گونه رویارویی به صورت مناظره و نقدهای متقابل صورت می‌پذیرد.

۳. انقلاب پدیده‌ای مقطعی است. اصلاحات یک پدیده تدریجی و مداوم است.

۴. جنبش اجتماعی

جنبش‌های اجتماعی^(۴) معمولاً در تضاد با سازمان‌هایی هستند که با اهداف و نگرش آن‌ها مخالف‌اند.^(۵) جنبش‌های اجتماعی را می‌توان به دو دسته «قدیم» و در مفهوم کلاسیک (مانند جنبش کارگری) و «جدید» (مانند جنبش زنان، جنبش جوانان، جنبش ضد جهانی شدن و ...) تقسیم نمود.

۵. انقلاب

از انقلاب^(۶) تعاریف بسیاری شده است. برخی انقلاب را «فرآیند تغییر اساسی نظام سیاسی که با بسیج توده‌ای در یک جنبش اجتماعی همراه است و با توسل به خشونت در سرنگونی نظام موجود کامیاب می‌شود و حکومت تازه‌ای تشکیل می‌دهد» تعریف می‌کند.^(۷)

به طور کلی این موارد را می‌توان به عنوان ویژگی‌های انقلاب ذکر کرد:

۱. تغییر ساختارها و نهادهای
۲. حضور توده‌ای مردم،
۳. وجود رهبری متمرکز،
۴. پیدایش نارضایتی زیاد و عمومی از شرایط حاکم،
۵. ظهور و گسترش ایدئولوژی انقلابی،

۶. روند سریع و ناگهانی،

۷. خشونت.^(۸)

۶. انقلاب رنگی

مجموعه تحولات سیاسی که در برخی از کشورها از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد به وقوع پیوست و تغییرات مهمی در ساختارهای سیاسی این کشورها، بدون اعمال خشونت ایجاد کرد، سبب شد که مفاهیم جدیدی وارد ادبیات سیاسی جهان بشود. از جمله این مفاهیم مفهوم انقلاب رنگی^(۹) است.

عناصر مشترک در انقلاب‌های رنگی اقتدارگرایی؛ وجود یک رژیم اقتدارگرا در همه کشورهایی که انقلاب رنگی در آن‌جا طراحی و اجرا شده است قابل مشاهده و بررسی است.

وابستگی به بیگانه؛ نفوذ و حضور قدرت خارجی و ارتباط با نهادهای درون حاکمیتی از طریق برقراری ارتباط با نخبگان جوامع، خصوصیات مشترک دیگر انقلابات رنگی است. تا آنجا که می‌توان گفت انقلاب رنگی معمولاً با حمایت و دخالت مستقیم بیگانگان همراه است.

تغییر دولت نه تغییر نظام‌ها و حکومت‌ها؛ در همه کشورهایی که با پدیده انقلاب رنگی مواجه شده‌اند، پس از وقوع انقلاب، حکومت و ساختار سیاسی دست نخورده مانده؛ اما دولت به یک دولت غرب‌گرا تبدیل شده است.

بروز اعتراض‌ها و ناآرامی‌های مدنی از طریق مشارکت مستقیم مردم و رهبران مخالف؛ شاخصه دیگر این انقلاب‌ها آن است که در آن‌ها تغییرات از طریق ناآرامی‌های مدنی، مسالمت‌آمیز و بدون خونریزی به وقوع می‌پیوندند. در جریان اعتراضات، مردم در کمپین‌های انتخاباتی قبل و بعد از انتخابات شرکت می‌کنند؛ و با برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات آرام خواسته‌های خود را دنبال می‌کنند.

استفاده نمادین از یک رنگ به خصوص: یکی از مشخصه‌های مشترک انقلاب‌های رنگی - همانطور که از نامشان پیداست - استفاده نمادین از یک رنگ به خصوص - که معمولاً رنگ یک گل است - می‌باشد. مثلاً در اوکراین رنگ نارنجی، در گرجستان رنگ قرمز، در قرقیزستان رنگ صورتی، رنگ نمادین انقلاب بود.

وجود دولت‌های نوپا و متزلزل: خصوصیت دیگر کشورهایی که با انقلاب رنگی مواجه شدند وجود دولت‌های نوپا و متزلزل است. در این کشورها اگر چه حکومتی اقتدارگرا بر سر کار بوده است، اما دولت‌های حاکم به دلیل نداشتن الگوهای مناسب حکومتی که با نیازهای اکثریت جامعه منطبق باشد، دچار سردرگمی و تزلزل حکومتی بوده‌اند.

توسعه نیافتگی: کشورهایی که در آن‌ها انقلاب رنگی رخ داده به طور معمول دارای اقتصادی توسعه نیافته یا در حالت توسعه بوده و با ناآرامی اقتصادی ناشی از رانت خواری، رشوه‌گیری و سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی و در نهایت فساد اقتصادی مواجه بوده‌اند.

وجود تعارض‌های اجتماعی: پایین بودن رفاه اجتماعی اکثریت مردم و وجود نوعی تعارض‌های نژادی، قومی، محلی و مذهبی، دیگر خصوصیت مشترک کشورهایی است که تجربه انقلاب رنگی را از سر گذرانده‌اند.^(۱۰)

۷. انقلاب مخملی

مفهوم نوپای انقلاب مخملی^(۱۱) را برخی با انقلاب رنگی یکی می‌دانند. حال آن‌که بین این دو تفاوت‌هایی وجود دارد؛ از جمله:

۱. انقلاب مخملی تغییر بنیادین نظام و ساختار حکومت است. مانند تجربه چکسلواکی که در آن، انقلاب به تغییر رژیم کمونیستی انجامید و در نهایت نظام سرمایه‌سالاری را در این کشور حاکم ساخت. حال آن‌که انقلاب رنگی چیزی فراتر از تغییر مسالمت‌آمیز دولت و انتقال قدرت از حاکمان به مخالفان نیست. نظیر آنچه که در صربستان سال ۲۰۰۰، گرجستان سال ۲۰۰۳، اوکراین سال ۲۰۰۴ و قرقیزستان سال ۲۰۰۵ اتفاق افتاد.

۲. در انقلاب مخملی، نفوذ و عاملیت قدرت‌های بیگانه حداقلی است و بار اصلی

اعتقاد «گرینر» اهمیت رسانه‌ها در خلق راه‌های مشترک، انتخاب و نگرستن به رویدادهاست.

براین اساس رسانه‌ها می‌توانند به جای انتقال پیام واقعی، پیام رسانه‌ای بسازند! که اصلاً وجود خارجی ندارد و نوعی مهندسی ذهن مخاطب را به عهده می‌گیرد. زیرا رسانه‌ها آثار بلند مدت، غیرمستقیم، تدریجی، و تراکمی دارند. بی‌گمان جنگ نرم از جهات بسیار، بر جنگ سخت ترجیح دارد. موارد زیر می‌تواند به عنوان مهمترین علت ترجیح جنگ نرم باشد: ۱. خسارت کم ۲. پنهان بودن ۳. وسیع تر بودن گستره نتایج ۴. عمیق بودن اثرگذاری‌ها ۵. کاهش امکان مقابله ۶. پایین بودن تبعات روانی و تبلیغاتی برای نیروی مهاجم ۷. مساعدتر بودن زمینه عمومی موفقیت ۸. ماهیت تفرقه‌انگیز^(۱۵).

ما در سال‌های گذشته شاهد تغییراتی بودیم که حکومت‌ها و دولت‌هایی بدون وجود تهدید و اجبار، با تطمیع و هزینه محسوس، سرنگون شدند که به نظر می‌رسد این تحولات مبتنی بر ظهور قدرت و جنگ جدیدی است که از آن به عنوان قدرت نرم و جنگ نرم یاد می‌شود.

قدرت نرم از طریق تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان حمایتی کشور متخاصم را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می‌دهد. این گونه تغییرات به طور معمول از زیر ساخت‌ها و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، به ویژه حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود.

در قدرت نرم، بر خلاف قدرت سخت، مخاطب نه از روی اجبار و اکراه، بلکه با رضایت‌مندی تن به قدرت جدید می‌دهد و خواسته‌های قدرتمند را اجابت و اجرا می‌کند. به تعبیر دیگر قدرت نرم به جای تحمیل و ناگزیر کردن مخاطبان، آنان را متقاعد و همسو می‌سازد و هر نوع مانع یا انگیزه مقاومت ملی، اخلاقی، حیثیتی، هویتی و دینی را از ذهن مخاطب باز می‌ستاند.

جوزف نای^(۱۶) قدرت نرم را به منظور نمایاندن تأثیرات عوامل موثر بر عملکرد واحدهای مستقل و حکومت‌ها ابداع نمود که شامل قدرت سخت و قدرت اقتصادی نبود. در قدرت نرم بر روی «ذهن» و «رفتار»، سرمایه‌گذاری می‌شود تا «عینیت مجازی» تولید کند.

دکتر کرلانتزیک، پژوهشگر بنیاد کارنگی قدرت نرم را این گونه تعریف می‌کند که:

«قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به کارگیری ابزارهای چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار یا موجودیت دیگر کشورها اثر می‌گذارد.»

قدرت نرم توانایی شکل دهی به ترجیح ذهنی دیگران است و به صورت پراکنده عمل می‌کند تا قدرت دفاع را از حریف سلب نماید.

اگرچه بین سه بخش قدرت یعنی قدرت سخت، قدرت اقتصادی و قدرت نرم ارتباطی منطقی و ارگانیک برقرار است اما امروزه دو بخش اول قدرت به عنوان پشتیبان عمل می‌کنند و نقش کلیدی و راهبردی بر قدرت نرم استوار است.

قدرت نرم دارای ویژگی‌ها و کاربردهای متنوع و پیچیده‌ای است که از اعمال حداقل تغییر رویه و رفتار حکومت‌های هدف، آغاز و تا تغییر دولت‌ها و براندازی بنیادی حکومت‌ها را شامل می‌گردد.

اما آنچه موجب نگرانی است؛ کارکردی از قدرت نرم است که کشورهای همانند ایران را هدف قرار داده است که از آن به عنوان جنگ نرم و براندازی نرم یاد می‌شود یعنی خطرناک‌ترین کارکرد قدرت نرم.

جنگ نرم^(۱۷) در برابر جنگ سخت^(۱۸) در حقیقت شامل هر گونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست می‌کشانند.^(۱۹)

جنگ نرم در پی از پای در آوردن اندیشه و تفکر مخاطب جامعه هدف است تا

انقلاب بر دوش رهبران مخالف حکومت درون کشور است. اما انقلاب رنگی به طور معمول با حمایت و دخالت مستقیم بیگانگان همراه است.

۳. از نظر مبانی نظری، انقلاب مخملی بیشتر از طریق تبلیغات رسانه‌ای موسوم به «رادیوی آزاد» و تعاملات غیرعلنی با روشن‌فکران بلوک شرق در دوران جنگ سرد شکل گرفت؛ در حالی که انقلاب‌های رنگی بر اساس مبانی جدید سیاست خارجی آمریکا در دوران فروپاشی شوروی، طراحی و به مورد اجرا گذارده شد.

۴. انقلاب مخملی ممکن است با مقداری خشونت همراه شود. اما در انقلاب‌های رنگی حاکمان به هیچ عنوان برای متوقف کردن تظاهرات عمومی از نیروی نظامی استفاده نکردند.

رهبران مخالف و انقلابی در انقلاب مخملی بیرون از ساختار قدرت حکومت پیشین قرار داشتند، اما در انقلاب رنگی، رهبران اصلی انقلاب پیش از تغییرات دارای سمت‌های مهمی چون صدارت یا وزارت بودند. هم‌طور رهبران برکنار شده همچنان به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهند و ممکن است در صورت تغییر شرایط مجدداً به قدرت بازگردند.^(۲۰)

۸. جنگ نظامی

از دیگر راه‌های تغییر ساختار حکومت، جنگ نظامی است. «جنگ»؛ حمله‌ای نظامی یک یا چند کشور به یک یا چند کشور دیگر با هدف تصرف جغرافیایی یا سرنگون ساختن حکومت سیاسی آن کشور است.

۹. جنگ داخلی

جنگ داخلی از جهاتی به کودتا و شورش شباهت دارد. اما ابعاد و گستره عاملان آن وسیع‌تر از کودتا است و از نظر سازمان‌دهی جریان اعتراضات و مبارزه و گستردگی اهداف مورد نظر هم در مرتبه بالاتری از شورش قرار می‌گیرد.^(۲۱)

۱۰. جنگ نرم

صورت دیگر ایجاد تغییر در ساختار سیاسی و فرهنگی حکومت‌ها و ملت‌ها نوع نوینی از جنگ است که «جنگ نرم» خوانده می‌شود. جنگی که در آن بر خلاف جنگ سخت، سخن از حربه‌های نظامی و برخورد‌های خونین و خشونت‌آمیز نیست، بلکه جنگ، تعریف و نمودی نرم‌افزاری دارد؛ گرچه در غایات و اهداف با جنگ سخت و نظامی، مشترک است.

جنگ نرم نزاعی است که به جای تصرف نظامی سرزمین دشمن، از طریق حکومتی دست‌نشانده، می‌توان مردم آن کشور را تسخیر کرد و برآن‌ها حکومت کرد راه تسخیر مردم به گونه‌ای است که خود آنان خواسته‌های دشمن را محقق می‌سازند در جنگ نرم قاعده این است که قلب و مغز افراد تسخیر شود و کسانی که قلب و ذهنشان تسخیر شد در راستای اهداف دشمن خود عمل می‌کنند.

در جنگ نرم مهم‌ترین سلاح برای تغییر نگرش و باورهای افراد و جامعه «رسانه‌ها» هستند

ساز و کار تأثیرگذاری رسانه‌ها برای تصرف قلب‌ها و تسخیر ذهن‌ها چگونه است؟ یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها که در چند سال گذشته مورد توجه قرار گرفته، استفاده از نظریه کاشت^(۲۲) است.

این نظریه را «جرج گرینر»، رئیس پیشین دانشکده ارتباطات دانشگاه پنسیلوانیا ارائه کرده است برخلاف نظریه‌های سنتی که تأثیر رسانه‌ها را بر رفتار افراد مستقیم و فوری فرض کردند نظریه کاشت چند فرض اصلی را برای شکل‌گیری نظریه خود ارائه می‌کند.

– کاشت روندی رو به انباشت و تراکمی دارد.

– تماشا با استفاده از رسانه عادت گونه و غیرانتخابی است.

– روند کاشت چند وجهی است.

– کاشت به رایج‌سازی یک روند می‌انجامد.

در این نظریه با افزایش استفاده از رسانه‌ها، میزان کاشت نیز افزایش می‌یابد. به

جلسه سوم

مبانی نظری تهدیدات نرم

آگاهی فرهنگی

برای تبیین مبانی نظری تهدیدات نرم از الگوهای مختلفی استفاده شده است. یکی از این الگوهای نظری، الگوی فرهنگی «وندلی»^(۱) است.

از منظر «وندلی» فرهنگ^(۲) عبارت از مجموعه نظرات، نگرش‌ها، آداب و رسوم، سنت‌ها و رفتارها است. از نظر او فرهنگ در گذر تاریخ و بر اثر عوامل متنوعی نظیر عوامل تاریخ، مذهب، زبان، هویت قومی، حماسه‌ها، افسانه‌ها و جز آن، فرابالیده است و لاجرم هر نوع تغییری در آن، مستلزم درک عمیق هریک از این عوامل است. به تعبیر روشن‌تر، ایجاد تغییر در عناصر یک فرهنگ مستلزم آگاهی فرهنگی^(۳) است. منظور از آگاهی فرهنگی «توانایی تشخیص و درک آثار فرهنگ یک ملت یا قوم بر ارزش‌ها و رفتارهای آنان» است^(۴).

از نظر او آگاهی فرهنگی طی یک فرآیند پنج مرحله‌ای شکل می‌گیرد. آن مراحل به شرح زیرند:

۱. کسب داده‌ها؛^(۵) در سلسله مراتب شناخت فرهنگی، داده‌ها نازل‌ترین شکل اطلاعات محسوب می‌شوند. داده‌ها، پیام‌ها و علائمی هستند که به وسیله انسان و یا ابزارهای مکانیکی و الکترونیکی، از محیط دریافت می‌شوند.

۲. اطلاعات؛^(۶) به داده‌هایی اطلاق می‌شود که برای آگاهی از معنا و مفهوم آنها، مورد پردازش قرار می‌گیرند.

۳. دانش؛^(۷) به اطلاعاتی اطلاق می‌شود که برای دستیابی به معنا و مفهوم عمیق‌تر، برای استفاده عملی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴. بینش؛^(۸) حاصل تلفیق دانستنی‌ها و داوری پیرامون آنها در یک موقعیت معین و به منظور درک روابط درونی بین آنها، است. بینش فرهنگی نیز به آگاهی عمیق از یک فرهنگ اطلاق می‌شود که موجب آگاهی از فرایندهای فکری، مؤلفه‌های انگیزشی و سایر عوامل مؤثر بر رفتار می‌شود.

۵. توانش^(۹) فرهنگی؛ عبارت است از تلفیق بینش فرهنگی و فهم فرهنگی که موجب آگاهی نسبت به مقاصد عوامل و گروه‌های خاص می‌شود.^(۱۰)

در کشور ما در مراحل داده و اطلاعات مشکلی نیست اما در مرحله دانش، بینش و توانش فرهنگی کاستی‌هایی وجود دارد و بیشترین ضعف و تهدید در حوزه علوم انسانی است زیرا بیشتر آنها وارداتی و غیروومی است. در مراحل بینش و توانش نیز دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی و رسانه‌ای ما ضعیف عمل کرده‌اند و دشمن نیز از همین ضعف سوء استفاده می‌کند.

مراحل پنج‌گانه آگاهی فرهنگی را می‌توان به شرح مندرج در تصویر ترسیم کرد:



حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کرده و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی - اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند.^(۲۰)

به گفته جین شارب^(۲۱)، هدف جنگ نرم تغییر دولت‌های نامطلوب یا فروپاشی حکومت‌ها و کسب قدرت سیاسی است و به صلح طلبی، اعتقادات اخلاقی و مذهبی ربطی ندارد. جنگ نرم گزینه‌ای به جای جنگ سخت و مسلحانه برای رویارویی با حکومت‌های مورد نظر است.^(۲۲)

پانویس:

(۱) گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۳.

(۲) گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۳.

(۳) Reform.

(۴) Movements Social.

(۵) گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۷.

(۶) Revolution.

(۷) گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۳.

(۸) همان.

(۹) Color Revolution.

(۱۰) جنگ نرم و وضعیت کنونی ما: ۷۱-۸۲.

(۱۱) Velvet Revolution.

(۱۲) بهشتی‌پور، ۱۳۸۸.

(۱۳) جنگ نرم و وضعیت کنونی ما: ۱۰۴-۱۰۳.

(۱۴) cultivation.

(۱۵) جنگ نرم و وضعیت کنونی ما: ۱۱۶-۱۱۲.

(۱۶) جوزف نای در سال‌های اخیر در تبیین نظریات خود، پیرامون قدرت به سه نوع قدرت اشاره می‌کند. ابتدا قدرت سخت را مورد واکاوی قرار می‌دهد که بر مبنای زور و تهدید عمل می‌کند، سپس قدرت اقتصادی را معرفی می‌کند که قلمرو آن هزینه، تطمیع و پاداش است و در نهایت به معرفی قدرت نرم می‌پردازد که بر مبنای جاذبه عمل می‌کند و آن را قدرت برتر دنیای معاصر معرفی می‌نماید.

(۱۷) Soft War.

(۱۸) Hard War.

(۱۹) انصاری، ۱۳۸۶.

(۲۰) ماه پیشانیان، ۱۳۸۶: ۷۴-۵۷.

(۲۱) مغز متفکر براندازی نرم، تئوریسین روش‌های ۱۹۸ گانه نافرمانی مدنی و همچنین مدیر مؤسسه آمریکایی آلبرت اینشتین

(۲۲) جنگ نرم: ۲۹.

همانگونه که تصویر نشان می‌دهد «آگاهی فرهنگی» طی یک فرآیند سلسله مراتبی صورت می‌گیرد که در آن هر مرحله مقدمه‌ای ضروری برای مرحله بعدی است. «وندلری» بر این باور است که فرهنگ از سه مؤلفه زیر تشکیل شده است: ۱. عامل شکل‌دهنده فرهنگ، ۲. متغیرهای فرهنگی، ۳. تجلیات فرهنگی. منظور از عوامل شکل‌دهنده فرهنگ، ویژگی‌هایی نظیر زبان، مذهب و عقاید را برمی‌گیرد.

جامعه‌شناسان^(۱۱) و روانشناسان اجتماعی^(۱۲) متغیرهای فرهنگی را به سه نوع رفتارها^(۱۳)، ارزش‌ها^(۱۴) و شناخت^(۱۵) تقسیم کرده‌اند. رفتارها، کنش‌های ظاهری و مشهود یک فرهنگ هستند. «ارزش‌ها» به اصولی گفته می‌شود که افراد یک فرهنگ برای ارزشیابی گزینه‌ها و نتایج تصمیم‌گیری‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهند. «شناخت» به راهبردها و فرآیندهایی گفته می‌شود که در تصمیم‌سازی، ادراک و بازنمایی دانستنی‌های مربوط به یک فرهنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند.

به تعبیر دیگر، شناخت نوعی فرآیند ذهنی است که مؤلفه‌هایی همچون آگاهی، ادراک، استدلال و شیوه دآوری و قضاوت را در برمی‌گیرد^(۱۶).

هافستد^(۱۷) با مرور دامنه تأثیرات تهدیدات نرم فرهنگی در کشورهای دیگر، نشان داده است که اثربخشی آن اقدامات مستلزم درک ژرف چند ارزش خاص است. از نظر او آن ارزش‌ها که تأثیری عمیق بر کنش‌ها و رفتارهای مردم دارند، عبارتند از:

۱. فردگرایی - جمع‌گرایی؛
۲. دوری و نزدیکی به قدرت؛
۳. تردید گرایی؛
۴. رابطه محوری - کار محوری؛
۵. حال نگری - آینده‌نگری؛
۶. پابندی به آداب و رسوم؛
۷. تأثیرپذیری از شرایط.

سرانجام، سومین مؤلفه فرهنگی که متولیان و مجریان تهدیدات نرم فرهنگی آگاهی از آن را ضروری می‌دانند، «تجلیات فرهنگی» است. منظور از تجلیات فرهنگی «رفتارها، الگوی گفتاری و نگرش‌های مشهود یک فرهنگ» است.^(۱۸) مؤلفه‌ها و عناصر مورد بحث در سطور بالا را می‌توان، به شرح مندرج در تصویر زیر خلاصه کرد:



ویژگی‌های جنگ نرم از ویژگی‌های جنگ نرم می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. جنگ نرم در پی تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی است؛ در این جنگ، باورها و ارزش‌های اساسی یک جامعه مورد هجوم برای تغییر قرار می‌گیرد. با تغییر باورهای اساسی جامعه، قالب‌های تفکر و اندیشه دگرگون شده و مدل‌های رفتاری جدیدی شکل می‌گیرد. مدل‌های رفتاری جدید به گونه‌ای است که به جای رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی، رفتارهای چالشی جایگزین شده و این رفتارها به سمت ساختار شکنی جهت می‌یابد.

۲. آرام، تدریجی و زیر سطحی است؛ جنگ نرم دفعی، شتابان و پرتحرک در یک مقطع نیست. این جنگ به صورت آرام شروع شده و به صورت تدریجی به سمت جلو حرکت می‌کند. آرام و تدریجی بودن این جنگ به گونه‌ای است که بسیاری آن را تشخیص نمی‌دهند. جنگ نرم زیر سطحی، غیر آشکار و به همین دلیل نامحسوس است.

۳. جنگ نرم نمادساز است؛ نمادسازی با بهره‌گیری از نمادهای تاریخی برای ارائه و نمایش تصویری مطلوب از خود یک ویژگی برجسته از جنگ نرم است. در این جنگ تلاش می‌شود تصویری شکست خورده، ناامید و مأیوس از حریف ارائه شود و در مقابل مهاجم با نمادسازی و تصویرسازی، خود را پیروز و موفق نشان می‌دهد. در این ویژگی عملیات روانی در حد اعلی خود انجام می‌شود.

۴. پایدار و بادوام است؛ نتایج جنگ نرم در صورت موفق بودن، پایدار و بادوام خواهد بود. هدف اصلی در جنگ نرم تغییر باورها و اعتقادات است. چنانچه این تغییر حاصل گردد، به راحتی تغییر مجدد و بازگشت به حالت اولیه میسر نمی‌باشد. در جنگ گرم و نظامی، یک سرزمین تصرف شده را ظرف چند ساعت، می‌توان باز پس گرفت. اما در جنگ نرم، اگر دشمنان موفق به تصرف افکار و دل‌های جامعه هدف گردند، به راحتی نمی‌توان آن را باز پس گرفت و تغییر مجدد زمان‌بر می‌باشد.

۵. جنگ نرم پرتحرک و جاذبه‌دار است؛ جنگ نرم که به صورت تدریجی و آرام شروع می‌شود، در نقطه‌ای به دلیل ایجاد جاذبه‌های کاذب، خود جامعه هدف را برای تحقق اهداف به کار گرفته و از این طریق بر دامنه تحرکات آن افزوده می‌گردد. در واقع با گذشت زمان، بسیاری از بازیگران و حتی بازیگردانان جنگ نرم به صورت خواسته یا ناخواسته از درون جامعه هدف، به استخدام کارگزاران اصلی جنگ نرم در می‌آیند.

۶. جنگ نرم هیجان ساز است؛ با نمادسازی‌ها، اسطوره‌سازی‌ها و خلق ارزش‌های جدید، در جنگ نرم از احساسات جامعه هدف، نهایت سوء استفاده انجام می‌گیرد. مدیریت احساسات یک رکن در مهندسی جنگ نرم به حساب می‌آید.

در مدیریت احساسات، تلاش می‌شود از احساسات و عواطف جامعه هدف، به عنوان پلی برای نفوذ در افکار و اندیشه‌ها برای ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها استفاده شود. احساسات و عواطف به دلیل تحریک‌پذیری، زمینه‌های خلق بحران را فراهم می‌سازد.

۷. جنگ نرم آسیب محور است؛ آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، میدان مانور جنگ نرم است. دشمنان در جنگ نرم با شناسایی نقاط آسیب جامعه هدف، در حوزه‌های ذکر شده، فعالیت‌های خود را سامان داده و با خلق آسیب‌های جدید، بر دامنه تحرکات خود می‌افزایند.

سیاسی آن جامعه و جایگزین کردن ساختارهای جدید می‌باشد. اهداف ذکر شده در یک فرایند و به صورت خطی دنبال می‌گردد. با ایجاد تغییر در باورها، افکار و رفتارهای یک جامعه، به صورت طبیعی مدل رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی موجود، تغییر پیدا کرده و مدل‌های چالشی جایگزین آن می‌شود. در یک جامعه، مردم در شرایطی با نظام سیاسی خود به چالش بر می‌خیزند که دیگر آن را مشروع ندانند و از نظر آنان مسئولان سیاسی مقبولیت خود را از دست داده باشند. بنابراین مشروعیت‌زدایی و مقبولیت‌زدایی برای ایجاد بحران، ناآرامی و بی‌ثبات‌سازی در جامعه هدف، از کار ویژه‌های اصلی جنگ نرم به حساب می‌آید. هر گاه یک نظام سیاسی مشروعیت و مقبولیت خود را بین ملتش از دست بدهد، به راحتی زمینه‌های لازم برای تغییر آن ساختار و نظام سیاسی و جایگزین شدن یک نظام و ساختار جدید فراهم می‌گردد.^(۱۹)

حوزه‌های تأثیر تهدیدات نرم

اگر برای یک نظام اجتماعی چهار حوزه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دفاعی قائل شویم، تهدید نرم می‌تواند در این چهار حوزه، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتارها را تحت تأثیر قرار دهد.

حوزه فرهنگی

«فرهنگ» بیانگر شخصیت و هویت ملی یک کشور است، فرهنگ هر کشور دارای سه سطح کلی است. زیرساخت‌های فکری، جهان بینی و باورهای جامعه، سطح اول فرهنگ تلقی می‌شود.

مجموعه باورها و نیاها (ایدئولوژی و ارزش‌ها) سطح دوم فرهنگ را تشکیل می‌دهد. الگوهای رفتاری، لایه سوم فرهنگ ملی تلقی می‌شود. این تأثیر در سه سطح راهبردی، میانی و تاکتیکی شامل نخبگان، مردم و نیروهای مسلح می‌شود و دارای ابعاد زیر است:

۱. تهدید باورهای بنیادین یک کشور در سه حوزه فرهنگ استراتژیک، فرهنگ عمومی و فرهنگ دفاعی و در سه سطح (نخبگان، مردم و نیروهای مسلح)؛
 ۲. تهدید ارزش‌های اساسی یک کشور در سه حوزه فرهنگ استراتژیک، فرهنگ عمومی و فرهنگ دفاعی و در سه سطح (نخبگان، مردم و نیروهای مسلح)؛
 ۳. تهدید الگوهای رفتاری یک کشور در سه حوزه فرهنگ استراتژیک، فرهنگ عمومی و فرهنگ دفاعی در سه سطح (نخبگان، مردم و نیروهای مسلح).
- فرهنگ استراتژیک یک کشور بر نوع ادراک و الگوهای رفتاری نخبگان و رهبران یک کشور تأثیر می‌گذارد. در صورت وقوع تهدید نرم در این سطح، کشور حریف می‌تواند با مدیریت خود، اندیشه و عزم رهبران و نخبگان را تحت تأثیر قرار دهد. ایجاد ناپایداری ذهنی، غلبه بر سیستم تصمیم‌گیری، تغییر ذهنیت و نگرش و تأثیر بر انتخاب‌ها و تصمیم‌ها، پیامدهای تهدید نرم در حوزه راهبردی است. همچنین تهدید نرم در حوزه فرهنگ ملی می‌تواند بر باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مردم تأثیر گذارد و موجبات گسیختگی اجتماعی و فروپاشی روانی را فراهم کند. همچنین تهدید نرم می‌تواند عزم و اراده نبرد و قدرت بازدارندگی روانی نیروهای مسلح را از بین ببرد. بی‌ارزش تلقی شدن مقاومت در برابر دشمن و فروپاشی روانی و سلب اراده حماسی و... را می‌توان به عنوان پیامدهای تهدید نرم در این سطح نام برد.

حوزه سیاسی

دولت‌ها به عنوان یک واحد سیاسی در نظام بین‌الملل با مؤلفه‌های جمعیت، قلمرو، حکومت و حاکمیت و نظام ارزشی مشخص، شکل می‌گیرند و همواره با تحولاتی از داخل و خارج مواجه می‌شوند.

برخی از تحولات موجب افزایش و برخی موجب تضعیف قدرت سیاسی آنها می‌شود. هر نظام سیاسی برای حفظ و بقای خود، نیازمند ثبات سیاسی و انسجام ملی است.

۸. جنگ نرم چند وجهی است؛ پر دامنه بودن و برخورداری از وجوه مختلف از دیگر ویژگی‌های جنگ نرم است. در این جنگ، از تمامی علوم، فنون، شیوه‌ها و روش‌های شناخته شده و ارزش‌های موجود استفاده می‌گردد.

۹. جنگ نرم تضاد آفرین است؛ جنگ نرم از محیط‌های آسیب‌دار در جامعه هدف، شروع می‌شود و با ایجاد گسل‌های متعدد در بخش‌های گوناگون جامعه و از طریق متفاوت کردن باورها، ارزش‌ها و شکل‌دهی به رفتارهای جدید، اعضای یک جامعه در برابر همه قرار می‌دهد. تضادهای به وجود آمده از طریق جنگ نرم، همبستگی اجتماعی و وحدت ملی را بر هم می‌زند و زمینه‌های بروز بحران و درگیری‌های داخلی را فراهم می‌سازد. بنابراین تخریب وحدت ملی یکی از پیامدها و ویژگی‌های جنگ نرم است.

۱۰. جنگ نرم تردید آفرین است؛ در جنگ نرم، ایجاد تردید و بدبینی نسبت به بسیاری از مسائل، یک اصل و قاعده است. در این جنگ با ایجاد ناامیدی و یأس شروع می‌شود. برای توفیق در این جنگ، با تکیه بر سنت‌ها، البته با نوپردازی به صورت ظریف و آرام، در باورها و اعتقادات اساسی تردید ایجاد می‌شود و به مرور بر دامنه این تردیدها افزوده شده تا در نهایت به ایجاد تغییرات اساسی در باورها و ارزش‌ها دست یابد.

۱۱. جنگ نرم از ابزار روز استفاده می‌کند؛ در جنگ نرم از پیشرفته‌ترین تکنیک‌های روز استفاده می‌گردد. فضای مجازی و سایبری محیط اصلی جنگ نرم در شرایط کنونی به حساب می‌آید. این فضا، امکان اغواگری با ایجاد جاذبه‌های گوناگون و خلق بسترهای لازم برای سوار شدن به امواج احساسات را به خوبی فراهم می‌سازد.

اهداف جنگ نرم

اگر جنگ را یک نوع رویارویی، مقابله و کشمکش بین دو طرف تصور کنیم، در این جنگ هر یک از طرفین به دنبال اهدافی هستند. هر گاه تهاجمی، جنگ نرم را علیه مجموعه‌ای آغاز نماید، در جامعه هدف به دنبال دستیابی به چهار هدف عمده می‌باشد.

۱. ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها

مهمترین و اصلی‌ترین هدف جنگ نرم را باید ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها و اعتقادات جامعه هدف جنگ نرم دانست. اعتقادات و باورها، اساس حرکت یک جامعه به شمار می‌آیند. هر انسانی بر اساس باورها و اعتقادات خود به زندگی‌اش جهت می‌دهد. بنابراین اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه اختلال یا تغییری ایجاد کنند، باید به سراغ تغییر باورها و اعتقادات آنان بروند. بنابراین در جنگ نرم اساسی‌ترین هدف، ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات است.

۲. ایجاد تغییر در افکار و اندیشه‌ها

چنانچه دشمنان یک ملت، با جنگ نرم بتوانند در باورها و اعتقادات یک ملتی رسوخ کرده و با ایجاد شک و تردید، آن باورها و اعتقادات را مخدوش و متزلزل نمایند، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای هدف بعدی، یعنی ایجاد تغییر در چگونگی فکر کردن و اندیشیدن در حوزه‌های گوناگون فراهم می‌شود. بنابراین هدف عمده دیگر در جنگ نرم، ایجاد تغییر در افکار جامعه است.

۳. ایجاد تغییر در رفتار

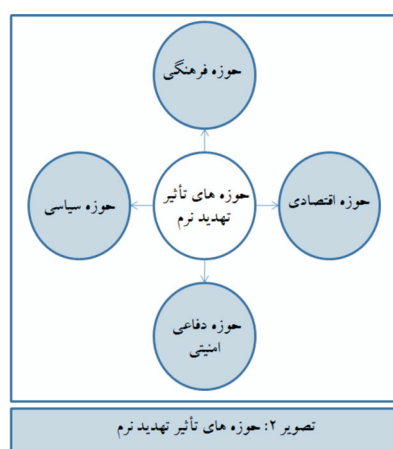
رفتارهای یک جامعه، مبتنی بر اعتقادات، باورها و چگونگی فکر کردن و اندیشیدن افراد آن جامعه می‌باشد. با تغییرات اساسی در این مبانی، مدل‌های رفتاری در حوزه‌های گوناگون تغییر می‌کند. در واقع مدل‌های رفتاری در هر جامعه‌ای، بر اساس نوع باورها و اعتقادات و چگونگی فکر و اندیشه در آن جامعه شکل می‌گیرد. بدیهی است که با تغییر هر نوع باور و اندیشه‌ای، مدل‌های رفتاری جدید بر اساس باورها و افکار جدید جایگزین مدل‌های قبلی می‌گردد.

۴. ایجاد تغییر در ساختار سیاسی

هدف نهایی در جنگ نرم علیه یک ملت، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای

نظام‌ها، موجب تهدید سایر نظام‌ها از جمله نظام اقتصادی می‌شود. به عبارت دیگر پیوستگی و ماهیت تهدید اقتصادی را می‌توان مترادف با تضعیف یا فروپاشی باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری یک کشور در حوزه اقتصاد دانست. تهدید نرم در حوزه اقتصاد می‌تواند بر فرهنگ اقتصادی یک کشور در سه لایه زیر اثر گذارد:

۱. اندیشه و نظریه تولیدات اقتصادی کشور؛
۲. ارزش‌ها و الگوی تولیدات اقتصادی کشور؛
۳. ارزش‌ها و الگوی توزیع و مصرف اقتصادی کشور.



ارزش‌ها و الگوهای رفتاری در حوزه دفاع و امنیت است. بنابراین هرگونه اقدامی که منجر به تغییر در فرهنگ و الگوی دفاعی کشور شود و یا به عبارت دیگر اندیشه دفاعی و عزم و اراده نبرد را تحت تأثیر قرار دهد، در زمره تهدیدات نرم در حوزه دفاعی - امنیتی قلمداد می‌شود.^(۳۰)

حوزه دفاعی - امنیتی

قدرت و توان رزم نیروهای مسلح یک کشور، ترکیبی از توانایی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی است. بخش غیرفیزیکی قدرت رزمی، تحت تأثیر قدرت نرم در حوزه دفاعی - امنیتی می‌باشد. در این سطح فرهنگ و الگوی دفاعی نظام‌های سیاسی، تعیین کننده میزان قدرت نرم در حوزه دفاعی - امنیتی است. هدف از تهدیدات نرم در این حوزه، تأثیرگذاری بر اندیشه‌ها،

بنابراین افزایش مشروعیت سیاسی نخبگان و رهبران یک کشور به توانایی‌های آنها در ایجاد انسجام سیاسی و برخورداری از حمایت، رضایتمندی و قدرت اقتناع‌سازی و افکار عمومی است. به طور طبیعی در صورتی که یک دولت نتواند قدرت سیاسی لازم را در حوزه داخلی و خارجی ایجاد نماید، با بحران‌ها و تهدیدات مختلف سیاسی مواجه خواهد شد.

میزان اقتدار سیاسی یک کشور در جامعه، میزان انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ هویت و یکپارچگی ملی، و میزان تولید و بازتولید هنجارهای سیاسی و به جریان انداختن گفتمان‌های مسلط در درون جامعه و در عرصه بین‌المللی و برخورداری از مقبولیت و مشروعیت لازم را می‌توان به عنوان شاخص‌های قدرت نرم در این حوزه نام برد.

در مقابل در صورتی که کشوری دارای بحران‌های سیاسی باشد، این کشور در واقع فاقد قدرت نرم بوده و به طور طبیعی تهدید نرم در این حوزه مؤثر واقع خواهد شد. بحران‌های سیاسی شامل بحران‌های پنج‌گانه هویت، مشروعیت، نفوذ، توزیع و مشارکت است.

برانگیختن شکاف‌های قومی، نژادی، مذهبی و... و فقدان عوامل پیوند دهنده هویت‌های ملی، تحریف و تحقیر تاریخ و افتخارات ملی در یک کشور، می‌تواند به «بحران هویت» منجر شود.

ایجاد شکاف بین مردم و رهبران، فقدان حمایت مردمی و مشروعیت‌بخشی به تصمیمات رهبران، و شکل‌گیری نافرمانی‌های مدنی در یک جامعه «بحران مشروعیت» به وجود می‌آورد.

انگیزه‌زدایی و دلسرد کردن مردم جهت حضور در عرصه‌های تعیین‌کننده کشور، مصادیق بارز «بحران مشارکت» است.

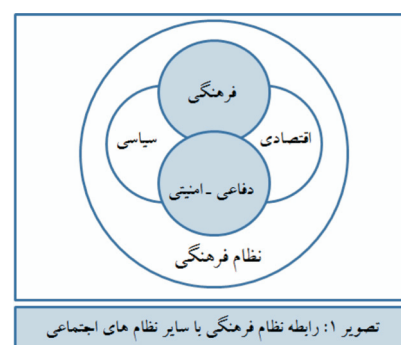
همچنین عدم توزیع مناسب ثروت، شان اجتماعی و امنیت در ایجاد «بحران توزیع» مؤثر است.

تلاش برای تأثیرگذاری بر اراده و تصمیمات نخبگان و رهبران با ارباب، تطمیع از مصادیق «بحران نفوذ» به شمار می‌آید.

مجموعه این موارد قدرت نرم یک نظام سیاسی را کاهش می‌دهد و به طور طبیعی آن نظام را در برابر تهدید نرم آسیب‌پذیر می‌نماید.

حوزه اقتصادی

«فرهنگ» جهت‌دهنده به الگوهای رفتاری در همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. به طور طبیعی اندیشه اقتصادی یک کشور و الگوی تولید و مصرف تحت تأثیر فرهنگ است. برای مثال، پاسخ به این سؤالات می‌تواند متأثر از فرهنگ ملی یک کشور



باشد. چه چیزی تولید کنیم؟ چگونه تولید کنیم؟ و برای چه تولید کنیم؟ همان‌گونه که اشاره شد، فرهنگ دارای سه لایه باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها و الگوهای رفتاری است. بنابراین با وجود تعامل نظامات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی - امنیتی و تأثیر و تأثر متقابل آنان، نظام فرهنگی به عنوان زیرساخت و نظام فرابخش و جهت‌دهنده به ذهن و رفتار در سایر حوزه‌ها تلقی می‌شود:

تهدید نرم و تهاجم به نظام فرهنگی یک کشور (به عنوان جهت‌دهنده به سایر

پی نوشت‌ها:

- (۱) Wunderli.
- (۲) culture.
- (۳) cultural areness.
- (۴) وندرلی، ۲۰۰۵: ۹.
- (۵) .data.
- (۶) .information.
- (۷) .knowledge.
- (۸) .insight.
- (۹) .competence.
- (۱۰) وندرلی، ۲۰۰۵.
- (۱۱) نظیر گیدنز (۱۹۹۲) Gidens: ۲۰۰۲.
- (۱۲) نظیر میرز، (۲۰۰۲) Myer: ۴۰۰۲.
- (۱۳) .behavios.
- (۱۴) .values.
- (۱۵) .cognition.
- (۱۶) وندرلی، ۲۰۰۵: ۱۳.
- (۱۷) Hofstd: ۳۰۰۲.
- (۱۸) وندرلی، ۲۰۰۵: ص ۱۴.
- (۱۹) جنگ نرم: ۲۹-۳۴.
- (۲۰) مرادی، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۰۷.

جلسه چهارم

روش‌های جنگ نرم

مجموعه روش‌هایی که در تهدیدات نرم به کار گرفته می‌شود را می‌توان به سه روش «گفتاری، رفتاری و شبکه‌ای» تقسیم نمود. در ادامه به اختصار به تعریف هر کدام از این روش‌ها می‌پردازیم:

یک. روش‌های گفتاری

روش‌های گفتاری در اعمال تهدیدات نرم را می‌توان به چهار بخش «عملیات روانی»، «عملیات ادراکی»، «دیپلماسی عمومی» و «فریب استراتژیکی» تقسیم نمود:

۱. عملیات روانی

به مجموعه طرح‌ها و اقداماتی گفته می‌شود که به دنبال تشویق، تهییج و تحریک افکار عمومی در خصوص یک مسأله‌ای مشخص و با اهداف از پیش تعیین شده است. عملیات روانی به طور کلی در چارچوب اقدامات اطلاعاتی و با اهداف پنهانی قرار دارد و آثار، نتایج و همچنین ابزارها و شیوه‌های آن به راحتی قابل شناسایی نیست. عملیات روانی بیشتر در شرایط بحرانی مانند جنگ، شورش و اغتشاش؛ یا در شرایط ناپایدار و شکننده مانند التهاب در روابط دو کشور، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فرضیات عملیات روانی بر این است که توان جنگیدن دشمن جدا از ابزارها و جنگ‌افزارهای نظامی، بر اراده نیروی انسانی معطوف به جنگ استوار است.

انواع عملیات روانی

۱. عملیات روانی آشکار: این نوع عملیات به طور معمول با استفاده از تبلیغات سفید (تبلیغاتی که هویت منبع آن معلوم است) انجام می‌شود اغلب موارد عملیات روانی که با عناوین رسمی (مانند رادیو آمریکا) به اجرا در می‌آیند. از مصادیق این نوع عملیات‌اند.

۲. عملیات روانی پنهانی: عملیاتی است که منبع انتشار آن فاش نمی‌شود، یا اگر هم کشف شد، آن دولت بتواند هر گونه دخالتی را انکار کند. عملیات روانی پنهان معمولاً به وسیله تبلیغات سیاه و خاکستری به اجرا در می‌آید.

اهداف عملیات روانی

هدف از عملیات روانی تغییر «رفتار» و «نگرش» مخاطب در جهت مطلوب است. این مطلوب بودن باتوجه به شرایط طرفین به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. بین گروه‌ها در یک کشور: عملیات روانی بین دو گروه، بیشتر برای کسب قدرت است اما با توجه به تخریبی بودن عملیات روانی در نهایت شهروندان آن کشور متضرر خواهند شد و کشور آسیب خواهد دید.

۲. بین دو کشور غیرمتخاصم: در این حالت هدف عملیات کسب امتیازهای اقتصادی و سیاسی است و هر کشور در جهت منافع ملی خود سعی بر امتیازگیری بیشتری دارد.

۳. دو کشور متخاصم: در این حالت مطلوب بودن، تغییر رژیم یا تغییرات اساسی در رفتار کشور مقابل و نگرش بین دو کشور است.

نمونه‌هایی از تغییر نگرش

۱. بدبین‌سازی شهروندان نسبت به حاکمیت،

۲. ناکارآمد نشان دادن مسئولان کشور هدف،

۳. القای وجود تبعیض و نبود آزادی در کشور هدف،

۴. القای عقب‌ماندگی کشور نسبت به دیگر کشورها،

۵. القای ناجی بودن کشور دشمن،

۶. بزرگ جلوه دادن قدرت دشمن.

نمونه‌هایی از تغییر رفتار

۱. مقاومت قانونی در برابر حاکمیت،

۲. مقاومت غیرقانونی در برابر حاکمیت (شورشگری)،

۳. مقاومت نکردن در برابر نفوذ دشمن،

۴. کمک به دشمن برای نفوذ به کشور.

ابزار عملیات روانی

ابزار عملیات روانی به دو دسته؛ «فشار عملی» و «فشارهای تبلیغاتی - روانی» تقسیم می‌شوند.

فشارهای عملی در عملیات فراملی چهار دسته‌اند: اقتصادی، فرهنگی - سیاسی، دیپلماتیک و نظامی.

ابزارهای تبلیغاتی - روانی عبارتند از: تلویزیون، رادیو، خبرگزاری‌ها، مطبوعات و اینترنت که هر یک با توجه به خرده هدف‌های عملیاتی روانی کارایی ویژه‌ای دارند. برای مثال در امر شورشگری، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و رادیوهای خارجی بیشترین تأثیر را بر شهروندان آن کشور آماج خواهند داشت.^(۱)

لازم به ذکر است ابزارهای روانی و تبلیغات به عنوان ابزارهای مکمل، پس از موفقیت نسبی ابزارهای عملی استفاده می‌شود.

۲. عملیات ادراکی

تأثیرگذاری بر نگرش‌ها، باورها، عقاید، اهداف و ارزش‌های طرف مقابل با هدف ایجاد تغییر در مخاطبان تا سرحد همسو شدن آن‌ها با اهداف و منابع عمل‌کننده را می‌توان عملیات ادراکی^(۲) معنا نمود این نوع عملیات به جای این که مخاطب را تهییج یا یکباره و فوری وادار به عکس‌العمل نماید، نگرش آن‌ها را نسبت به مسایل اساسی مانند ایده حاکمیت تحت تأثیر قرار دهد. در عملیات ادراکی از فنون و شگردهای مختلفی مانند برگزاری جلسات نقد و بررسی، مباحثه و گفت و گو، نظریه‌پردازی و مواردی مانند این استفاده می‌شود^(۳).

۳. دیپلماسی عمومی (یا مردم محور)

اصطلاحی است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی و در هنگامه جنگ سرد در آمریکا و دیگر کشورهای بلوک غرب مطرح شد. مفهوم کلی دیپلماسی عمومی برقراری روابط حسنه دولت‌ها با ملت‌ها به جای روابط بین دولت‌ها و در جهت فتح قلوب و اذهان عمومی همه یا بخش‌های انتخاب شده‌ای از مردم کشورهای هدف از طریق سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. یک تعریف رسمی جدید از دیپلماسی عمومی بریتانیا این گونه است: «کار برای رسیدن به اهداف و نفوذ کردن مثبت در دیدگاه‌های افراد و سازمان‌های خارجی نسبت به بریتانیا و همکاری آن‌ها بابریتانیا»^(۴).

این روش هزینه اجرای تصمیمات و پیگیری منافع و مقصد را به حداقل می‌رساند و سد مقاومت‌ها در برابر «دیگران» یا «بیگانگان» را می‌شکند. در این میان، رسانه‌هایی که مخاطبانی بیرون از مرزهای جغرافیایی یک کشور دارند، بیشترین کمک را به پیشبرد منافع ملی خواهند داشت.^(۵)

این روش از جهت هدف با روش عملیات ادراکی شباهت زیادی دارد؛ اما از جهت نحوه و سازمان اجرایی متفاوت است. زیرا متولی دیپلماسی عمومی، دستگاه سیاست خارجی کشور عمل‌کننده است، در حالی که متولی عملیات ادراکی، رسانه‌ها، دستگاه‌های آموزشی و سازمان‌های غیردولتی‌اند.^(۶)

با توجه به دامنه فعالیت‌های متعارف و نامتعارف دیپلمات‌های محلی بریتانیا در ایران، شاید بتوان لندن را پیشگام دیپلماسی عمومی دولت‌های سلطه‌جوی خارجی در تاریخ ایران و احتمالاً دیگر کشورهای خاورمیانه حتی پیش از رایج شدن اصطلاح

دو. روش‌های رفتاری

روش‌های رفتاری دومین دسته از روش‌های اعمال تهدیدات نرم‌اند. در روش‌های رفتاری، هدف اصلی شکل دادن به رفتارهای جمعی، متناسب با خواسته‌ها، اهداف و برنامه‌های تهدیدگر است. این روش را می‌توان به چهاربخش: «اعتراض»، «عدم همکاری با دولت»، «مداخله غیرخوشونت‌آمیز» و «جذب مخالفان حکومت» تقسیم نمود.

۱. اعتراض

به اقداماتی گفته می‌شود که حکایت از نشان دادن اعتراض و نارضایتی بدون مداخله و رویارویی با نیروهای پلیس داشته باشد؛ که در صورت تکرار و روندسازی می‌تواند تبدیل به مقاومت شود. اعتراض می‌تواند به صورت تحصن، مخالفت‌خوانی، کم‌کاری، کارشکنی و تجمع مسالمت‌آمیز انجام شود.^(۱۱)

۲. عدم همکاری با دولت (نافرمانی مدنی)

به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که از سوی مردم یا برخی جمعیت‌ها به منظور ایجاد محدودیت یا خودداری از همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی با دولت اتخاذ گردد. مواردی مانند عدم پرداخت مالیات، قبوض مصارف خدمات عمومی، بیرون کشیدن پول و سرمایه خود از شبکه‌های دولتی، عدم مشارکت سیاسی مانند عدم مشارکت در انتخابات.^(۱۲)

۳. مداخله غیرخوشونت‌آمیز

به معنای ایجاد اختلال در نظم عمومی مؤسسات، سازمان‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و فعالیت‌های دولت، توسط افراد، تشکلات و دولت‌های دیگر است. نوع اقدام حتماً باید غیرخوشونت‌آمیز باشد؛ مثلاً خرابکاری نامحسوس یا تصرف غیرخوشونت‌آمیز یک ساختمان یا نهاد دولتی از جمله این موارد است.^(۱۳)

۴. جذب مخالفان حکومت

به معنای جرأت دادن به مخالفان و حمایت از آنان در هنگام سختی و خطر با هدف هویت‌بخشی، انسجام بخشی، تحریک‌پذیری، افزایش انگیزه و اعتماد به منظور ایمان‌سازی مسیر مقابله از سوی یک دولت یا سازمان دشمن علیه دولتی دیگر است.^(۱۴)

سه. روش‌های شبکه‌ای

در روش‌های مبتنی بر شبکه، هدف اصلی اطلاعات و ارتباطات بر روی شبکه است. بنابراین اینترنت‌ها، مخازن و پایگاه‌های اطلاعاتی و سایت‌های کنترل و فرمان از بخش‌های مهم و مورد توجه در این روش‌اند. روش‌های شبکه‌ای را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. دیجیتال؛ روش‌های دیجیتالی به روش‌هایی گفته می‌شود که از طریق فعالیت در فضای دیجیتالی اهداف جنگی را پی می‌گیرد و یا به دنبال اختلال در ارتباط، سرقت اطلاعات و یا اختلال در سامانه‌های مدیریت در شبکه‌های اینترنت و اینترنت هستند؛ از این اقدامات به جنگ رایانه‌ای هم تعبیر می‌کنند. حمله‌های هکری را می‌توان مشهورترین روش دیجیتالی دانست.

۲. الکترونیکی؛ روش‌های الکترونیکی مجموعه روش‌هایی است که از طریق وسایل الکترونیکی مانند ماهواره و رادیو و تلویزیون اهداف کشور مهاجم را پی می‌گیرند و یا به دنبال اختلال در این وسایل و امواج مربوطه‌شان هستند.^(۱۵)

و سیاستی مشخص با این نام داشت.

دیپلماسی عمومی بریتانیا در قرن ۲۱ شکل نوینی به خود گرفت. در واقع سیاستمداران و سیاست‌گذاران بریتانیایی پس از چند دهه دریافته بودند که بدون یک بازنگری اساسی در برنامه‌های سنتی مرسوم دیپلماسی عمومی خود قادر به رقابت با دیگر قدرت‌های حاضر در این صحنه در جهان امروز نخواهد بود. از زمان تدوین و انتشار گزارش لرد کارتر به بعد، بخش دیپلماسی عمومی در کمیسیون سیاست خارجی پارلمان بریتانیا نیز فعال و به طرز قابل ملاحظه‌ای بیشتر از گذشته موجب تعامل قانونگذاران آن کشور با سرویس جهانی بی.بی.سی و بریتیش کانسل و مسئولان آن مؤسسات در جهت دگردیسی و پوست‌اندازی آن دو نهاد سنتی و رسمی شده است.

وزارت خارجه بریتانیا محورهای اساسی کنونی دیپلماسی عمومی این کشور را این گونه اعلام کرده است:

۱. سرویس جهانی بی.بی.سی

۲. بریتیش کانسل (شورای فرهنگی بریتانیا)

۳. شبکه خبری ماهواره‌ای بی.اس.ان (بریتیش ساتلایت نیوز)

۴. سازمان نمایشگاه‌های فرهنگی و تجاری بین‌المللی بریتانیا

البته باید توجه داشت که بحث دیپلماسی عمومی بریتانیا بحث سیاست هماهنگ نهاد‌های مختلف برای اهداف مختلف راهبردی و دراز مدت است. در این مسیر نباید متوقع بود که لحظه به لحظه فعالیت‌های کوتاه مدت و روزمره نهاد‌هایی همانند سرویس جهانی بی.بی.سی و یا بریتیش کانسل منطبق بر سیاست‌های اعلام شده دولتی بنماید. بلکه رسیدن به هدف نهایی و فتح قلوب و اذهان مخاطبان در خارج از مرزهای بریتانیا در میان مدت و درازمدت است که باید از هر طریقی و لو دادن امتیاز و ضررهایی در کوتاه مدت حاصل شود.^(۷)

۴. فریب استراتژیکی

عملیات فریب را «سلسله اقدامات سازمان یافته و پنهانی که به منظور تأثیرگذاری بر ذهنیت حریف طراحی و اجرا می‌شود و هدف اصلی آن ایجاد انحراف، در تصمیمات حریف از طریق ارائه اطلاعات هدایت شده و گاه غلط و اجبار وی به اقدام یا عدم اقدام در جهت منافع ملی کشور خودی یا به ضرر منافع خود» تعریف می‌کنند.^(۸)

آماج اصلی فریب استراتژیک، نهادها و سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور هدف است. بر این اساس چنانچه طراحان فریب استراتژیک بتوانند در حداقل منابع و مجاری اطلاعاتی چنین سازمان‌هایی نفوذ کرده احتمال تبدیل شدن محتوای اطلاعاتی فریب دهنده به عنوان یک گزارش یا بخشی از یک گزارش اطلاعاتی رایج شده از سوی سرویس‌های نظامی، امنیتی و اطلاعاتی کشور مخاطب بالا خواهد رفت.^(۹)

فریب استراتژیک با روش عملیات روانی که پیشتر ذکر شد شباهت‌هایی دارد. از جمله:

– هر دو به ذهنیت افراد توجه کرده و در تلاش برای تأثیرگذاری بر آن‌اند.

– هر دو مشتمل بر سلسله اقداماتی هدفمند و سازمان‌یافته می‌باشند.

– هر دو جزو اقدامات سری و پنهان محسوب می‌شوند.^(۱۰)

در عین حال، این دو روش تفاوت‌های مهمی هم با هم دارند: اولین نقطه افتراق فریب استراتژیک و عملیات روانی، محدوده تأثیرگذاری عملیات روانی «تگرش عامه مردم یک جامعه» است، در حالی که فریب، «ذهنیت سوژه‌ای خاص» (فرد، گروه یا سازمان معین) را هدف قرار می‌دهند.

دوم، این که هدف عمده عملیات روانی، عواطف و احساسات عموم افراد یک جامعه خاص (افکار عمومی) می‌باشد. در حالی که هدف عملیات فریب، تصمیم‌گیران، فرماندهان و افراد خاصی از جامعه‌ای مشخص در محیط حریف است.

ابزارهای جنگ نرم

وسعت ابعاد و زمینه‌های جنگ نرم سبب می‌شود که دایره وسیعی از ابزار مدرن را در زمره ابزارهای این جنگ بگنجانیم. به علاوه که خصلت ابتکاری و ابداعی در این جنگ سبب می‌شود این دایره هم‌چنان وسعت بیشتری یابد و ابزارهای جدید و ابداعی هم به این فهرست افزوده شوند. این ابزارها را در یک تقسیم‌بندی می‌توان در سه عنوان گنجانید: «صنایع فرهنگی»، «رسانه‌ها»، «فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و تبلیغاتی». که همگی ارتباطی تنگاتنگ و پیچیده با هم دارند.

یک. صنایع فرهنگی

۱. سینما؛ جذابیت فراوان و قدرت تأثیرگذاری و نیز قابلیت بالای تکثیر محصولات صنعت سینما، سبب شده است که دنیای غرب به عنوان مخترع و صاحب اولیه این صنعت، بیشترین استفاده را از آن در جهت تبلیغ و ترویج فرهنگ و ارزش‌های خود در جوامع دیگر برد و سهمی ویژه را در این راستا به این صنعت اختصاص دهد. تأسیس تشکیلاتی چون هالیوود از بزرگترین گام‌ها در این راستا است. سینمای آمریکا، به اقتضای دیگر مصنوعات سرمایه‌داری، بر پایه سکس و خشونت و ترس شکل گرفته است و ترویج‌کننده فرهنگ غربی و در موارد بسیار حاوی حمله‌های صریح و غیرصریح به فرهنگ‌ها و نظام‌های ارزشی مخالف و مقابل غرب، از جمله ارزش‌های دینی می‌باشد. در کشور ما نیز بخش قابل توجهی از برنامه‌های شبکه‌های داخلی به دبله و پخش همین فیلم‌ها البته با اعمال پاره‌ای ممیزی‌های اخلاقی اختصاص دارد که موارد بسیاری این ممیزی‌ها اصلاحی در خصلت ترویجی آن‌ها نمی‌تواند تغییر ایجاد کند. به علاوه که امروزه با گسترش ماهواره‌ها طیف وسیعی از فیلم‌ها قابل دسترسی است.

۲. کارتون (انیمیشن)؛ در کنار سینما، صنعت انیمیشن‌سازی (پویانمایی) هم صنعت مستقلی است که هواداران بسیاری را خصوصاً در بین مخاطبان کودک و نوجوان به خود جذب کرده است.

شخصیت‌های ساده و دوست‌داشتنی دنیای کارتون برای مخاطبان و دوستداران کودک و نوجوان‌شان به آسانی به عنوان الگو پذیرفته می‌شوند و کودکان سعی می‌کنند از رفتارها و برخوردهای آنان تقلید کنند.

وجود همین قابلیت مهم است که سبب شده کارتون‌ها در فرآیند هجوم نرم جهان غرب علیه دیگر فرهنگ‌ها و کشورها نقشی ویژه را به خود اختصاص دهند. این رویکرد را خصوصاً در نسل جدید کارتون‌ها می‌توان دید. در برخی موارد دامنه بهره‌برداری از کارتون‌ها به بیان مضامین سیاسی نیز کشیده می‌شود و شخصیت‌های محبوب کارتون‌ها به نمایندگان و مبلغان فرهنگ و سبک زندگی و ارزش‌های جامعه غربی به سراسر جهان اعزام می‌شوند.

۳. ماهواره؛ ماهواره امکانات بی‌نظیری را پیش روی صاحبان رسانه و دولت‌ها و قدرت‌ها گذاشته است که رسانه‌های پیشین در تأمین آن‌ها ناتوان بودند. شاید بتوان کار ویژه ماهواره در جنگ نرم را به جهت فضای آزاد و رها از چارچوب و قانونی که بر آن حاکم است انتشار برنامه‌ها و مطالبی دانست که مخالف و مغایر با ارزش‌ها و اصول کشور مورد هدف‌اند.

۴. اسباب‌بازی؛ یکی از کالاهای فرهنگی مؤثر که با توجه به قشر مخاطب‌اش اهمیتی دوچندان و وضعیتی حساس دارد، اسباب‌بازی‌ها است.

اسباب‌بازی‌های ساخته شرکت‌های غربی، ترویج‌دهنده فرهنگ غربی برای کودکان دیگر کشورها است تا از همان سنین کودکی با این فرهنگ آشنا شده و با آن انس بگیرند!!

۵. بازی‌های یارانه‌ای؛ پس از رواج استفاده از رایانه در منازل شخصی، یکی از مهمترین موارد استفاده برای کودکان و نوجوانان بازی‌های رایانه‌ای است. این بازی‌ها که نسل‌های پیشین‌شان آتاری، کمودور و پلی‌استیشن بودند، با استفاده از قابلیت‌های رایانه، توانستند خیلی زود همه رقبای سنتی خود را کنار بزنند و بازار

گسترده‌ای را به خود جلب نمایند.

به جهت فقر نسبی دانش گرافیک رایانه‌ای در دیگر کشورها، در زمینه بازی‌های رایانه‌ای، کشورهای غربی و آمریکا با فاصله‌ای بسیار زیاد پیشگام‌اند. سود سرشار اقتصادی که سالانه از محل فروش این بازی‌ها عاید کمپانی بزرگ سازنده آن‌ها می‌شود، سبب شده است که بازی‌های رایانه‌ای یکی از مهمترین ابزارهایی باشند که قدرت‌های جهانی از آن در راستای جنگ نرم و ترویج و تبلیغ و مدل زندگی غربی نهایت استفاده را بکنند.

عم موسیقی؛ موسیقی یکی از مقولات فرهنگی است که در جریان نبرد نرم مورد استفاده وسیع تبلیغ رسانه‌ای غرب قرار گرفته است. موسیقی در بیشتر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نمونه‌هایی دارد.

در این میان موسیقی جاز سیاهان در آمریکا شکل و شمایل نو گرفته و با سبک‌های مختلف راک اند رول، پاپ، رپ، متال و... به تدریج به صنعتی درآمدزا با سودهای هنگفت تبدیل شده است و با ظهور فن‌آوری‌های جدید، موسیقی قالب تصویر را هم پذیرا شدند و شوها و کلیپ‌ها پدید آمدند. و از آن‌جا که سیاست‌گذاران این صنایع فرهنگی، تنها به سود سرشار و فروش بالای این محصولات می‌اندیشند عناصر سکس و خشونت وارد این کلیپ‌ها و شوها شدند. این محصولات در فهرست صادرات فرهنگی دنیای غرب به ممالک دیگر قرار گرفت و گاهی مشابه سازی شد. از جمله در ایران از دوران پهلوی دوم موسیقی با کپی‌برداری از نمونه‌های غربی ظهور کرد و مخاطبان بسیاری را توانست به خود جذب کند. پس از انقلاب هم با فاصله‌ای چند ساله این روند استمرار یافت. علاوه بر موسیقی پاپ، چند سالی است که شاهد ظهور موسیقی زیر زمینی یا رپ فارسی هستیم که به نوعی تقلید یکی از گونه‌های موسیقی غرب است.

دو. ابزارهای رسانه‌ای

رسانه‌ها در جنگ نرم نقش ویژه و منحصر به فردی را ایفا می‌کنند. تا آنجا که از آن به «جنگ رسانه‌ای»^(۱۶) تعبیر می‌شود. بنیادی‌ترین تعریف جنگ رسانه‌ای استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات است. جنگ رسانه‌ای یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های جنگ نرم و جنگ‌های جدید بین‌المللی است. جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح‌نیز بین کشورها به صورت غیررسمی ادامه دارد.

۱. مطبوعات؛ علی‌رغم ظهور رسانه‌های نوین و شیوه‌های آسان‌تر و کارآمدتر اطلاع‌رسانی، مطبوعات اعم از روزنامه‌ها، مجلات و... جایگاه مهمی را در اطلاع‌رسانی و شکل‌دهی افکار عمومی ایفا می‌کنند. روزنامه‌های کثیرالانتشار بین‌المللی که محصول کمپانی‌های بزرگ خبر پراکنی‌اند و مشترکین و مخاطبان فراوانی را در سرتاسر جهان جذب کرده‌اند.

۲. رادیو؛ رادیوها از جمله مؤثرترین و معمول‌ترین رسانه‌هایی است که دولت‌های متخاصم از سال‌ها پیش از آن‌ها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشور مقابل‌شان بهره می‌گیرند. کار ویژه رادیوها در جنگ نرم را می‌توان تهیه، تدوین و پخش اخبار و گزارش‌ها و تحلیل‌هایی علیه کشورها و دولت‌های رقیب و در راستای منافع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور متبوع خود دانست. اقدامی که با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی شهروندان کشور هدف و جلب اعتماد آن‌ها به خود و در مقابل بی‌اعتمادسازی آن‌ها به رسانه‌های داخلی و نظام سیاسی‌اش انجام می‌شود.

۳. تلویزیون؛ از رسانه‌های پیش‌تاز و پرمخاطب تلویزیون‌های بین‌المللی‌اند که میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان مخاطب برنامه‌های مختلف خود قرار می‌دهند. کار ویژه تلویزیون‌ها در جنگ نرم را می‌توان تهیه و پخش برنامه‌های خبری و تحلیل و گزارش‌هایی از کشور هدف - بر خلاف روایت رسانه‌های رسمی و دولتی آن کشور - و در راستای سیاه‌نمایی اوضاع آن کشور دانست.

چنین سانسوری می‌تواند دواطلبانه باشد. مثل وقتی که سردبیری، عبارت یاواژه‌ای را از دست نوشته خود حذف می‌کند چرا که احساس می‌کند از ذوق سلیم به دور است یا کتابداری که کتابی را از دور خارج می‌کند، بدین علت که به نظر او قبیح و اهانت‌آمیز است و وی مطالب قبیح و اهانت‌آمیز را دوست ندارد.

۲. تحریف^(۲۰)

یکی از رایج‌ترین شیوه‌های پوشش خبری و مطبوعاتی، تغییر متن پیام به شیوه‌های مختلف از طریق دست‌کاری خبر است. در مسئله تحریف، سه پدیده به چشم می‌خورد که عبارتند از: «تعدیل، شاخ و برگ دادن و جذب».

تجربه‌هایی که در مورد تحریف انجام شده است، نشان می‌دهد که بسیاری از جزئیات موجود در ابتدای زنجیره انتقال به شدت حذف می‌شوند. در همان زمانی که فرایند تعدیل انجام می‌گیرد، شاخ و برگ‌های دیگری به خبر اضافه می‌گردد. با اینکه فرایند شاخ و برگ دادن مانند فرایند تعدیل در هر بار که خبر نقل می‌شود، انجام می‌گیرد ولی عناصری که در این فرایند بر آن‌ها تکیه می‌شود و در هر نوبت تکرار می‌شوند، یکی نیستند. این ویژگی بیشتر به ترکیب جامعه‌ای که خبر در آن منتقل می‌شود، وابسته است. عناصری در این فرایند شاخ و برگ پیدا می‌کنند که از نظر نقل‌کننده خبر با اهمیت هستند. چه چیزی سبب حذف برخی جزئیات و بیان برخی دیگر می‌شود؟

پاسخ به این پرسش در فرایند «جذب» یافت می‌شود که نتیجه نیروی جاذبه عادات، تمایلات و احساسات شنونده است.

غالباً فرایند جذب با هدف مورد انتظار فرد هماهنگی دارد و درک و یادآوری امور طبق معمول صورت می‌گیرد. از همه این‌ها مهمتر اینکه فرایند جذب به خودی خود بیانگر تغییرات و تحریفاتی است که منعکس کننده احساسات ریشه‌دار در شخص می‌باشد و همچنین وضعیت و جهت‌گیری او را منعکس می‌کند. با اینکه در امر تجزیه و تحلیل، فرایندهای تعدیل، شاخ و برگ دادن و جذب از یکدیگر تفکیک می‌شوند، ولی این فرایندها در عمل از یکدیگر مستقل نیستند. آن‌ها به طور هماهنگ در آن واحد عمل می‌کنند.

در شرایطی که مخاطبان دسترسی لازم به منبع موثق پیام را نداشته باشند، این شیوه بیشترین کاربرد را دارد، مثلاً اخباری که از طریق خبرگزاری‌های دنیا و روزنامه‌های پرتیراژ منتشر می‌شوند، در نقاط مختلف دنیا منتشر شده و قابل دریافت مستندات لازم از سوی مخاطبان نمی‌باشد.

۳. پاره حقیقت‌گویی^(۲۱)

گاهی حادثه، خبر یا سخنی مطرح می‌شود که از نظر منبع، محتوای پیام، مجموعه‌ای به هم پیوسته و مرتب است که اگر بخشی از آن نقل و بخشی نقل نشود جهت و نتیجه پیام، منحرف خواهد شد. این از رویه‌های رایج مطبوعات است که معمولاً متناسب با جایگاه و جناح سیاسی که به آن متمایل هستند، بخشی از خبر نقل و بخشی را نقل نمی‌کنند. این شیوه به خصوص در انتشار نظرات رهبران سیاسی متداول است. استفاده از تیتروهای اصلی روزنامه‌ها، مطابق با میل و سلیقه آن روزنامه از نمونه‌های بارز پاره حقیقت‌گویی است به طور کلی از دید روزنامه‌نگاران یک خبر هنگامی کامل است که عناصر خبری در آن به شکل کلی مطرح شوند. اما چنانچه یکی از عناصر خبری - چگونه؟ کجا؟ کی؟ چه کسی؟ چه چیزی؟ چرا؟ - در خبر بیان نگردد، خبر ناقص است. که در این تاکتیک، حذف یکی از این عناصر به عمد صورت می‌گیرد. در نشریات برای جلب نمودن نظر خواننده به تیترو خبر، از این تاکتیک استفاده می‌نمایند.

در واقعه ۱۱ سپتامبر، در اخباری که از سوی رسانه‌های آمریکا و رسانه‌های همسو با آن‌ها انتشار می‌یافت، به دلایل و انگیزه‌های تروریست‌ها پرداخته نمی‌شد. به عبارتی عنصر «چرا» به صورت انتخابی از اخبار حذف می‌شد. حذف عنصر «چرا»

در این راستا آنان بخش ویژه‌ای از توان خود را به پوشش دهی اقدامات و فعالیت‌های تخریبی اپوزیسیون آن کشور اختصاص می‌دهند.

۴. خبرگزاری‌ها و آژانس‌های خبری؛ خبرگزاری‌های بین‌المللی یکی از عمده‌ترین ابزارهای جنگ رسانه‌ای در جهان محسوب می‌شوند. این خبرگزاری‌ها هر روزه باتولید میلیون‌ها کلمه خبر و مخابره آن با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های ارتباطی، فرایند اطلاع‌رسانی جهانی را تحت سیطره و کنترل خود دارند. آن‌ها می‌توانند با سانسور یک خبر یا دادن پوشش وسیع به یک رویداد، افکار عمومی جهان را له یا علیه آن مسأله برانگیزانند. اهمیت خبرگزاری‌ها زمانی آشکار می‌شوند که بدانیم اکثر مطبوعات، خبرگزاری‌های ملی و منطقه‌ای و شبکه‌های رادیو تلویزیونی، اخبار و اطلاعات عمده خود را از این آژانس‌های خبری دریافت می‌کنند.

سه. فن‌آوری‌های نوین ارتباطی

اینترنت؛ بی‌گمان مهم‌ترین و موثرترین اتفاقی که در عرصه رسانه‌ها افتاده است ظهور اینترنت می‌باشد. قابلیت‌هایی بی‌نظیری که اینترنت با خود به ارمغان آورده سبب شده این پدیده به مهم‌ترین و موثرترین ابزار جنگ نرم بدل شود.

سایت‌های خبری و خبرگزاری‌های اینترنتی؛ اینترنت زمینه‌ساز ظهور و رواج طیف وسیعی از خبرگزاری‌های مجازی شده است. فعالیت در فضای مجازی به مراتب آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر است و امکان پنهان کردن هویت واقعی هم فراهم است. این رسانه‌ها خط قرمزهای کمتری را در برابر خود می‌بینند.

رسانه‌های اجتماعی؛ به گروهی از رسانه‌هایی که در فضای اینترنتی متولد شده‌اند عنوان رسانه‌های اجتماعی داده شده است. هر کاربر اینترنتی به راحتی می‌تواند مطالب تولیدی خود را در فضای مجازی منتشر کند.

انواع رسانه‌های اجتماعی؛ رسانه‌های اجتماعی را می‌توان در گروه‌های مختلف دسته‌بندی کرد؛ شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، ویکی‌ها، پادکست‌ها، فروم‌ها، کامیونیتی‌های محتوایی و میکروبلاگ‌ها برخی از رسانه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند^(۲۲)

تاکتیک‌های عملیات روانی در جنگ نرم

۱. سانسور^(۲۳)

سانسور عبارت است از حذف عمدی موادی از جریان عبور آگاهی‌ها، به منظور شکل دادن عقاید و اعمال دیگران، این حذف عمدی می‌تواند به دو شکل صورت پذیرد. سانسور در ساده‌ترین معنی‌اش، کنترل پیام‌های کثیرالانتشار توسط اولیای امور به جهت بازداشت موادی است که از نظر آنان نامطلوب است. مثلاً می‌تواند شامل حذف واژه‌ها، عبارات یا جملاتی خاص، توسط سانسورگر باشد.

اما سانسور در شکل گسترده‌ترش، می‌تواند در برگیرنده هر نوع تلاشی جهت تضعیف یا جلوگیری از انتشار مواد نامطلوب از نظر برخی از اولیای امور باشد. بدین ترتیب ممکن است دولتی جلوی انتشار اطلاعات یا اخباری را که می‌تواند بازتابی مخالف یا ناموافق بر مقامات آن دولت داشته باشد، را بگیرد و حتی ممکن است اولیای امور اقدامی تنبیهی نیز بر علیه خاطیان در پیش گیرند.

برخی از روزنامه‌ها یا مجلات را از امکانات چاپی محروم کنند، مالیات‌های سنگین یا موانع اقتصادی دیگر را اعمال کنند.

دولت‌های مستبد و خودکامه از سانسور برای ابقاء قدرت خویش بهره‌برداری می‌کنند. اما دولت‌های آزادمنش به علت سنت‌های موجود حاکی از انزجار نسبت به سانسور باید به روش‌های دیگری جهت ابقاء خود متوسل شوند روش‌هایی مانند تلاش برای جلب حمایت صادقانه رسانه‌های منتقد، یا ارجاع مستقیم مشکل خود به مردم.

سانسور برون قانونی

سانسور برون قانونی سانسوری است که خارج از کنترل قانونی یا قدرت قانونی باشد.

۷. تفرقه

شاید بتوان تفرقه را یکی از مؤلفه‌های عوامل قبلی دانست که با استفاده از آن‌ها عامل تبلیغاتی سعی می‌کند بین جامعه مخاطبان خود با مرزبندی و جناح‌بندی‌هایی که در اکثریت موارد کاذب هم می‌باشد، مطالبی را پخش کند تا پتانسیل و توان آن‌ها را کاهش دهد.

۸. ترور شخصیت

در شیوه‌های جدید، ترور فیزیکی جای خود را به ترور شخصیت داده است. در زمان‌هایی که نتوان فردی را ترور فیزیکی کرد و یا نباید افراد مورد ترور فیزیکی قرار گیرند، سعی می‌کنند از طریق عوامل تبلیغاتی جنگ روانی و با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، شخصیت‌های مطرح و موثر در جناح مقابل را به زیر ذربین کشیده و با بزرگ‌نمایی نقاط ضعف آنان را ترور شخصیت نمایند. هدف آن ترور شخصیت‌های سیاسی و مهم از طریق به تصویر کشیدن نقاط ضعف و حرکات نادرست آن‌هاست. این عوامل باعث می‌شود رهبران ذی‌نفوذ نزد مخاطبان دچار بی‌منزلی و تخریب چهره شوند.

۹. شایعه^(۳۱)

زمانی که جریان این خبر از بین افرادی شروع می‌شود که از حقیقت موضوع دورند، شایعه آغاز می‌گردد و تکرار آن بدون ارائه برهان و دلیل ادامه می‌یابد تا تقریباً بسیاری از مردم آن را باور می‌کنند و در نهایت شیوه معینی برای ترویج آن پیش گرفته می‌شود، مانند «آن‌ها می‌گویند...» یا «از یک منبع مسئول شنیدم که...» یا «اخبار دقیقی دارم مبنی بر اینکه...» و مانند آن‌ها.

شایعات زمانی رواج می‌یابند که حوادث مربوط به آن در زندگی افراد از اهمیتی برخوردار باشند یا در مورد آن‌ها خبرهای صریح پخش نشود و یا اینکه خبرهای مربوط به آن‌ها مبهم باشند. این ابهام زمانی به وجود می‌آید که خبر به صورت تحریف شده دریافت شود، یا به فرد خبرهای متضادی برسد یا فرد از فهم این گونه خبرها عاجز باشد.

تاکتیک شایعه

شایعه در جایی ایجاد می‌شود که خبر نباشد و یا خبر از منابع موثق منتشر نگردد. از جمله اولین عناصری که در بحث شایعه مطرح می‌باشند، موضوع، مکان و زمان شایعه است. یک شایعه‌ساز ماهر به خوبی می‌داند که شایعه وی باید موضعی باشد که حساسیت بالایی جامعه را در زمان و مکان مناسب به خود اختصاص دهد.

ضریب نفوذ شایعه مدیون دو نکته است؛ اول ابهام در موضوع و دوم اهمیت موضوع. هرچه ضریب اهمیت یک شایعه بالا باشد، ضریب نفوذ آن نیز به همان میزان بالا می‌رود. در ضمن به همان میزان که ابهام در قضیه افزایش می‌یابد ضریب نفوذ شایعه نیز صفر خواهد شد. عوامل دیگری نیز در پخش‌پذیری و نفوذ شایعه مؤثرند اما از درجه دوم اهمیت برخوردار می‌باشند. به طور نمونه پخش شایعه از زبان یک وزیر، یک استاد دانشگاه و یا هر منبع معتبر دیگر ضریب نفوذ آن را بیشتر از پخش شایعه از زبان راننده تاکسی می‌کند.

هر شایعه در برگیرنده بخش قابل ملاحظه‌ای از واقعیت می‌تواند باشد، اما ضریب نفوذ آن نیز تحت تأثیر عوامل دیگر می‌تواند افزایش بالایی پیدا کند.

شایعات آتشین

شایعه‌ای است که یکباره شکل می‌گیرد، همه جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و اثری کوتاه‌مدت دارد. کاربرد این نوع شایعه بیشتر در زمان جنگ نظامی است. استفاده از آمار و ارقام و بزرگ نشان دادن آن‌ها، مسیر شایعات آتشین است. به معنای دیگر شایعات آتشین با ارقام بسیار بزرگ ولی فقط در یک مقطع وارد می‌شوند، تأثیر آن‌ها عظیم است ولی مقطعی است. این نوع شایعات غالباً با ارقام بزرگ سر و کار دارند. تلفات ناشی از جنگ و تلفات ناشی از سیل و زلزله از جمله این موارد می‌باشند.

به آمریکایی‌ها این اجازه را می‌داد که بتوانند کشورها، افراد مختلف و سیاست‌هایی را که نمی‌پذیرند و با مواضع آن‌ها مخالفت دارند را محکوم نمایند و بتوانند با استفاده از باز بودن فضا و شرایط توجیه و با استفاده از عبارت «حذف تروریست‌ها از صحنه جهان» هم چنان به سیاست‌های مدنظر آمریکا جامعه عمل ببوشانند.

۴. محک زدن^(۳۲)

برای ارزیابی اوضاع جامعه و طرز تفکر مردم جامعه درباره موضوعی خاص که نسبت به آن حساسیت وجود دارد و یا دریافت بازخورد نظر حاکمان و یا گروهی خاص یا صنفی از اصناف جامعه، خبری منتشر می‌شود که عکس‌العمل به آن، زمینه طرح سوژه‌های بعدی قرار می‌گیرد عوامل تبلیغاتی سعی می‌کنند برای دریافت بازخورد نظر گروهی خاص و یا حتی افراد جامعه، با انتشار یک موضوع عکس‌العمل آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند و سیاست‌های آینده خود را نسبت به آن طراحی کنند. مثلاً برای ارزیابی نظر مردم ایران راجع به رابطه با آمریکا، خبری منتشر می‌شود تا پس از محک زدن آن، موضوعات جدی‌تری را در این باره منتشر سازند.

در سیستم‌های نظر سنجی نیز استفاده از افکار عمومی، نوعی محک زدن است. طرح موضوع استفاده نظامی ایران از تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم توسط آمریکایی‌ها، بازخورد واکنش دائمی ایرانی‌ها در تأکید بر استفاده غیرنظامی از این تکنولوژی‌ها را به دنبال دارد. آمریکا با این کار از یک سو قصد محک زدن ایران در این باره را داشته و از سوی دیگر از طرح آن برای اعزام بازرسی مربوطه برای کنترل این پرونده بهره می‌گیرد.

۵. ادعا به جای واقعیت^(۳۳)

رسانه‌های خبری برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود، گاهی ادعاهایی علیه افراد، گروه‌های مختلف و رسانه‌های رقیب مطرح می‌کنند و آنان را مجبور به پاسخگویی می‌نمایند. در واقع در این روش، اخبار مخابره شده و یا به چاپ رسیده نوعی ادعا به جای واقعیت را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند و با استفاده از کلماتی نظیر «ادعا» منبع خبر سعی می‌کند اولاً خبر را از دست ندهد، در ثانی صحت و سقم خبر را به گردن منبع مدعی آن انداخته، ثالثاً چنانچه خبر مورد تأیید قرار گرفت، اعتبار پخش آن را نصیب خود کند و در نهایت پیامی را که مدنظرش می‌باشد به همراه خبر القا نماید.

در شایعه منبع خبر را نمی‌گوییم اما در این نوع خبر عمداً منبع خبر را ذکر می‌کنیم، ولی منبعی که بی‌اعتبار است و بارها مورد تکذیب قرار گرفته است. این شیوه از جمله شیوه‌های جنگ روانی است. این شیوه در حقیقت مانند یک برگ دو طرف برنده است. استفاده‌کنندگان از آن، چه ادعا را رد و چه آن را تأیید نمایند، در هر دو صورت منبع جواب خود را گرفته است.

در جریان حمله آمریکا به افغانستان، پس از هر بمباران شدید مقرهای طالبان، ادعاهایی دال بر کشته شدن بن لادن از سوی رسانه‌های آمریکایی و رسانه‌های همسو با آن‌ها مطرح می‌شد. زمانی که طالبان خبر را تکذیب می‌کردند، آمریکایی‌ها می‌فهمیدند که تلاش آن‌ها در انهدام مواضع طالبان و کشتار آن‌ها چندان مؤثر نبوده است. اگر طالبان سکوت می‌کردند، این سکوت صحت ادعای آمریکایی‌ها را اثبات می‌کرد و نیروهای طالبان را نیز از نظر روحی تضعیف می‌نمود.

۶. اغراق

عوامل تبلیغاتی با بهره‌گیری از این شیوه دست به پخش مطالب مبالغه‌آمیز می‌زنند. آن‌ها سعی می‌کنند مطالب کوچک را بسیار بزرگتر از آن چه وجود دارد جلوه دهند و همچنین قادرند از مطالب بزرگ به شکلی ضعیف و در زمان، مکان و جایگاهی که به چشم نمی‌آید، بهره‌برداری کنند.

دارد و بیشتر برای مرعوب کردن حریف و یا حتی برای مرعوب کردن افکار عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یعنی پیامی را که به هیچ وجه واقعیت ندارد، بیان می‌کنند. معروف‌ترین مورد استفاده‌ای که از این تاکتیک شده، در زمان هیتلر و توسط گوبلز بوده است.

فوریت بخشیدن ساختگی به خبر^(۳۱)

تأکید بر انتقال سریع و لحظه به لحظه پیام و افزایش کمیت آن یکی دیگر از شیوه‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای است. هدف از این شیوه ایجاد نوعی طوفان مغزی برای مخاطب نسبت به سوژه مورد نظر و ایجاد نوعی ایزوله کردن خبری مخاطب نسبت به دیگر منابع خبری از طریق ایجاد این اطمینان در مخاطب است و این مطلب را می‌خواهد القا کند که این مطبوعه در سریع‌ترین حالت ممکن، قادر است اطلاعات را به مخاطب برساند.

این تاکتیک برای کمتر تعمق کردن مخاطب بر اخبار نیز به کار گرفته می‌شود. از طرفی نیز رسانه‌های خبری با شتاب بخشیدن به گزارش حوادث و رویدادها سعی می‌کنند از فرصت ایجاد شده برای دستیابی به بسیاری از اهداف خود (که تاکنون مهیا نبوده) استفاده کنند. این روش کاربرد تبلیغاتی نیز دارد. هم‌چنین در زمان جنگ و بحران‌های سیاسی کاربرد بسیار دارد.

پیچیده کردن خبر برای عدم کشف حقیقت^(۳۲)

امروزه شیوه پنهان کردن حقیقت، محرمانه نگهداشتن آن نیست زیرا که ذات خبر فرار است و به محض یافتن مجرای، به داخل جامعه نفوذ پیدا می‌کند. اعتقاد بر اینست که زمانی که یک رسانه قصد دارد یک خبر را پنهان کند لازم است با دادن اطلاعات متنوع و زیاد، حقیقت و موضوع را به گونه‌ای پیچیده کند که مخاطب از پیگیری آن خبر صرف‌نظر کند.

برای پنهان ماندن حقیقت، موضوع آنچنان با اخبار و اطلاعات فراوان و گاه ضد و نقیض، پیچیده و مغلق بیان می‌شود که مخاطب نتواند از لابلای مطالب به حقیقت دست یابد. نمونه بارز این اتفاق در موضوع پرتاب موشک از سوی نیروی دریایی آمریکا به سوی هواپیمای مسافرتی ایرباس ایرانی بود. امروزه جهت سرکوب بسیاری از جنبش‌های مردمی و نتایج اسفبار اقدامات سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ در کشورهای ضعیف جهان این حقایق را از طریق مخدوش ساختن خبر این وقایع، پنهان می‌نمایند.

افزایش قابلیت تصدیق خبر از طریق چین خبر ساختگی و نادرست در میان چند خبر درست^(۳۳)

برخی رسانه‌ها مانند بی‌بی‌سی همواره از این شگرد استفاده کرده‌اند. در این شیوه، نظر مخاطبان به اخباری صحیح جلب می‌شود و پس از ایجاد اطمینان اولیه نسبت به این منبع، یک خبر نادرست اعلام و القاء می‌شود. یک تحلیل‌گر حرفه‌ای می‌تواند اخباری که برای مخالفان خود دارای هویت درست و مشخص شده است، به گونه‌ای با اخبار نادرست آمیخته کند که در نهایت نظر خود را در قالب تحلیل و تفسیر مورد نظر خود القا نماید.

نمونه آن را می‌توان در سایت علیرضا نوری زاده پیدا کرد. در این شیوه تحلیل‌گر سعی کند اخبار موثق و درست قابل استناد برای مخاطبین را همراه با چند خبر نادرست در هم آمیخته و با شیوه‌ای کاملاً حرفه‌ای نتیجه مطلوب خود را کسب کند. در جریان قتل‌های زنجیره‌ای، علیرضا نوری زاده با در اختیار داشتن بخشی از مطالب صحیح قادر بود که مطالب نادرست خود را تحت پوشش منابع اطلاعاتی موثق منتشر کند.

استفاده از دو خبر واقعی برای طرح یک خبر ساختگی^(۳۴)

ارتباط بخشیدن بین دو واقعه و نتیجه‌گیری غلط و غیرواقعی از آن، از شیوه‌های دیگر در مطبوعات و خبرگزاری‌ها و رادیوها به شمار می‌رود. مثلاً رادیو بی‌بی‌سی اعلام می‌کند که دو هیأت سیاسی از آمریکا و ایران هم‌زمان در سوریه با مقامات سوری دیدار و گفت و گو کردند. در این پیام هدف اصلی، القاء خبر ارتباط بین این دو

شایعات خزنده

شایعاتی هستند که همراه با تاکتیک‌های قطره‌چکانی، مرحله به مرحله می‌تواند مسیر یک شایعه را در ذهن افراد یک جامعه طراحی کند. این شایعات دراز مدت‌تر از شایعات آتشین هستند و پیچیدگی‌های بیشتری نیز دارند. سوء استفاده‌های مالی و فساد در دستگاه‌های اداری و رسوایی‌های مالی از جمله این نوع شایعات هستند. پخش قطره‌چکانی و مرحله به مرحله حادثه ۱۱ سپتامبر زمینه‌ساز این نوع شایعه بود.

شایعات دلفینی

آن نوع از شایعات هستند که به تناسب زمان آشکار می‌گردند و بلافاصله پس از تأثیر گذاری برای مدتی پنهان می‌شوند و دوباره با ایجاد زمینه و انگیزه خود را آشکار می‌کنند.

شایعات دلفینی شایعاتی هستند که زمان مشخصی ندارند و هرگاه زمینه آن فراهم شود، قابل خودنمایی هستند. مانند اخبار مربوط به قتل‌های زنجیره‌ای.

۱۰. تاکتیک ماساژ پیام^(۳۵)

تاکتیک حذف، تاکتیک کلی بافی، تاکتیک زمان‌بندی، تاکتیک قطره‌چکانی، تاکتیک موجی و تاکتیک تبخیر از جمله تاکتیک‌های ماساژ پیام به شمار می‌آیند که به طور مختصر به توضیح آنها پرداخته می‌شود.

تاکتیک کلی بافی^(۳۶)

در تاکتیک کلی بافی جزئیاتی که ممکن است مخالفت اداری یا سیاسی را برانگیزد را با لعابی از مطالب غیرواقعی می‌پوشانند. در این تاکتیک سعی می‌شود بدون توجه به مسایل اصلی و عمیق در خبر و بدون ریشه‌یابی به موضوعی که منعکس می‌شود به حواشی آن پرداخته شده، به خبر لعاب بزنند و شاخ و برگ آن را اضافه کنند و خواننده را در سطح نگه دارد. و توجه وی را کمتر معطوف به عمق مطالب نمایند. این تاکتیک بیشتر در پخش بیانیه‌های وزارت امور خارجه و یا دستگاه دیپلماسی خارجی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد، که در آن‌ها از شیوه بی‌حس‌سازی مغزی استفاده شده است.

تاکتیک زمان‌بندی^(۳۷)

مرسوم‌ترین مصداقی را که می‌توان برای تاکتیک زمان‌بندی مثال زد، تأخیر در پخش خبر می‌باشد، به نحوی که پیام‌گیر نتواند کاری بکند. این شیوه در بسیاری از موارد التهاب و اشتیاق مخاطبین را برای شنیدن خبر از منابع موثق مهیا نموده و در بخشی دیگر زمینه پخش شایعات را نیز فراهم می‌کند.

تاکتیک حذف^(۳۸)

براساس این تاکتیک قسمت‌های مهمی از خبر به دلایلی که از پیش طراحی شده و به شکلی هدفمند حذف می‌گردد تا زمینه را برای پخش تاکتیک شایعه مهیا نماید. در این تاکتیک پخش‌کننده خبر (رسانه) می‌داند که با پخش قسمت ناقصی از خبر سوالاتی، در ذهن مخاطبان ایجاد می‌شود که این سوالات چنانچه پاسخ گفته نشود، زمینه پخش شایعات را فراهم می‌کند. در وسایل ارتباط جمعی معروف است که شایعه جایی پخش می‌شود که خبر نباشد.

چون سیاست به شدت ستیزه‌آمیز است، پیام‌های سیاسی بیش از پیام‌های دیگر آگاهانه انتخاب می‌شوند و تاکتیک حذف استفاده می‌گردد.

تاکتیک قطره‌چکانی^(۳۹)

داده‌ها، اطلاعات و دانش به جای آنکه در سندی واحد نوشته شود در این تاکتیک دسته‌بندی شده و در زمان‌های گوناگون و به مقدار بسیار کم ارائه می‌گردد تا هم مخاطب نسبت به منبع خبر اعتماد پیدا کند و هم نسبت به آن اعتیاد پیدا کند و منتظر پخش اخبار از مجرای مورد نظر گردد. در این شیوه الگوی رخداده تجزیه می‌شود و از دیدگیرنده مخفی می‌ماند.

تاکتیک دروغ بزرگ یا استفاده از دروغ محض^(۴۰)

این تاکتیک قدیمی و سنتی می‌باشد، اما هنوز هم مورد استفاده فراوانی در رسانه‌ها

هیأت سیاسی در سوریه و تضعیف دولت جمهوری اسلامی است. استفاده از عاطفه گیرندگان پیام^(۳۵)

در این روش تلاش می‌شود تعبیری در خبر مورد استفاده قرار گیرد که به کارگیری آنان احساس عاطفی مخاطبان را به طور ساختگی تحریف و تهییج کند. کلماتی نظیر تبعیض، ظلم به زنان، فشار بر کودکان، شکنجه، بازجویی، توطئه، خفقان، نسل سوزی، قانون ستیزی، فجایع بشری و مانند آن می‌تواند احساسات یک مخاطب را برانگیخته نماید. پخش برنامه‌های تلویزیونی و استفاده از عکس‌هایی که کودکان را در وضعیتی بسیار بد نشان می‌دهد، همچنین استفاده از زنان به عنوان عناصر زجر کشیده در اخبار می‌تواند در مسیر ایجاد هیجان بسیار مؤثر و پرنفوذ باشد. از سوی دیگر خبرگزاری‌ها از عاطفه غریزی گیرندگان پیام استفاده می‌کنند. گیرندگان پیام در مقابل یک سری مسائل مشترک با هم دارای همبستگی‌های عاطفی هستند. مباحث مشترکی نظیر دین، نژاد، سرزمین، ملیت، جنسیت، محیط اجتماعی، رنگ پوست، مباحث مشترک قاره‌ای و مباحث انسان دوستی از جمله این مباحث است که در خیلی از خبرها هدف قرار می‌گیرند و سعی می‌شود به نوعی در خبرها روی یکی از این همبستگی‌ها تأکید شود. به طور مثال کردها در ترکیه، عراق، ایران، سوریه و... سعی می‌کنند از رابطه عاطفی کردها استفاده کنند، به نوعی که تحریک کننده باشد. کردها یک نوع رابطه معنوی، جدا از همبستگی‌های منطقه‌ای با هم دارند و فشار به هر گروه در هر منطقه بر بقیه تأثیر می‌گذارد. استفاده از خبر برای تبلیغات^(۳۶)

وقتی خبری از رسانه‌ها منتشر می‌شود، نیازی به اثبات آن وجود ندارد. زیرا اصل اولیه درستی خبر است و اگر کسی فکر کند یا ادعا کند که خبر درست نیست، لازم است برای رد آن مدرکی ارائه دهد.^(۳۷)

شیوه‌ها و اقدامات جنگ نرم در ایران

۱. تحلیل مغرضانه از اوضاع داخلی و ایجاد فضای وحشت‌زا و موهوم از احتمال بروز جنگ، آغاز دوره بحران اقتصادی و مشکلات عظیم ناشی از آن.
۲. سوء استفاده تبلیغاتی از اجرای طرح‌هایی چون طرح امنیت اجتماعی به عنوان محدودکننده آزادی و حقوق زنان و نقش آزادی‌های مدنی و اجتماعی.
۳. ایجاد تقابل‌های سیاسی بین سران ارشد نظام اسلامی و القای در جریان بودن جنگ قدرت در جمهوری اسلامی بین چند طیف.
۴. ترویج و اشاعه دنیا طلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی.
۵. ترویج نظریه وجود قرائت‌های مختلف از اسلام (پلورالیسم).^(۳۸)
۶. اشاعه و تبلیغ نسبی بودن موازین اسلامی و ارزش‌های اعتقادی و دینی.^(۳۹)
۷. تبلیغ ضرورت جدایی دین از سیاست و دنیا از آخرت (سکولاریسم).^(۴۰)
۸. ترویج و تبلیغ وجود تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق.^(۴۱)
۹. نفی آرمان گرایی با تبلیغ دنیاپرستی و تحریک غرائز شهوانی.
۱۰. حمله مستمر به مبانی ارزشی و پایه‌های اعتقادی با حربه تحریف حقایق.^(۴۲)
۱۱. اشاعه چهره‌های غیرواقعی، خشن و زشت از اسلام.^(۴۳)
۱۲. تبلیغ و ترویج مغایرت دین و وحی با عقل.^(۴۴)
۱۳. ترویج و اشاعه اومانیسم و مکاتب الحادی غربی.^(۴۵)
۱۴. تبلیغ و ترویج تضاد میان اسلام و آزادی.^(۴۶)
۱۵. تلاش مستمر و برنامه‌ریزی شده برای سست کردن بنیان‌های دینی.^(۴۷)
۱۶. تلاش برای قراردادن جمهوری اسلامی در مقابل دموکراسی و آزادی‌های مدنی.^(۴۸)
۱۷. تلاش برای به تمسخر گرفتن مبارزه حق و باطل.^(۴۹)
۱۸. تبلیغ گسترده مبانی نظری فرهنگ غرب و زیرساخت‌های تئوریک فرهنگ آمریکایی.

۲۲. کوشش برای بی‌تفاوت و جدا کردن نسل جوان از ارزش‌های اعتقادی و آرمان‌های انقلاب با هدف ایجاد بحران هویت.

۲۳. متهم ساختن اسلام و جمهوری اسلامی به ضدیت با حقوق بشر و نقض آزادی‌های مدنی.^(۵۰)

۲۴. برنامه‌ریزی برای کم اهمیت جلوه دادن تهاجم فرهنگی و توهم خواندن آن با هدف کم کردن حساسیت‌ها نسبت به اهداف تهاجم نرم فرهنگی.^(۵۱)

۲۵. تبلیغ و ترویج ناکارآمدی تئوری حکومت دینی و تضعیف فرهنگ اسلامی و مبانی عقیدتی.^(۵۲)

۲۶. القای وجود مشکلات متعدد به دلیل قطع رابطه با آمریکا.^(۵۳)

۲۷. ایجاد شبهات متعدد در خصوص اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه.^(۵۴)

۲۸. تضعیف بسیج و نیروهای ارزشی انقلاب.^(۵۵)

۲۹. امام‌زدایی از صحنه فرهنگی و اجتماعی.^(۵۶)

۳۰. نشر و ترویج مواضع اپوزیسیون داخل و خارج، ملی گراها، لیبرال‌ها و... .

۳۱. ترویج فمینیسم و زن سالاری.^(۵۷)

۳۲. مخالفت با قانون اساسی.^(۵۸)

۳۳. حمایت از چهره‌ها و جریان‌های فرهنگی وابسته و منفعل نسبت به هویت‌های ملی و دینی.^(۵۹)

۳۴. برانگیختن شکاف‌های قومی و مذهبی.

۳۵. خریداری ده‌ها هزار نسخه از کتاب‌ها و محصولات فرهنگی روشنفکران غربی و توزیع در جامعه.

۳۶. حمایت علمی، حقوقی و مالی از عناصر روشنفکر سکولار و دانشگاهی وابسته به جریان‌های منحرف و مهاجم به مبانی دینی.

۳۷. طرح شبهات اعتقادی و سیاسی جهت ایجاد تزلزل در میان جوانان.^(۶۰)

۳۸. طری بررسی‌هایی که در سال ۱۳۷۸ روی سایت‌های اینترنتی قابل دریافت انجام شد، نتایج زیر به دست آمد:

الف. ۴ میلیون سایت مروج فساد در آمریکا و اروپا طراحی شده بود که فقط در کشورهای جهان سوم قابل دریافت است.

ب. امکان دریافت ۳ هزار شبکه ماهواره‌ای در ایران وجود دارد که علاوه بر این‌ها حدود ۹ هزار شبکه نیز به صورت کارتی قابل دریافت است و حدود ۹۰۰ شبکه شبانه‌روز فساد و فرهنگ منحط غربی را ترویج می‌کنند.

ج. ۳۵ شبکه فارسی زبان به طور مستمر و ۲۴ ساعته علیه نظام اسلامی فعالیت می‌کنند که برخی از این شبکه‌ها متعلق به صهیونیست‌ها بوده و رسماً از سوی این رژیم پشتیبانی می‌شوند. این شبکه‌ها دارای بودجه مشخصی در کنگره آمریکا هستند و غیر از آمریکا کشور هلند نیز در پشتیبانی از شبکه‌های مذکور بسیار فعال است.

در سال ۱۳۸۷ حدود ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار گیرنده ماهواره غیرمجاز در ایران وجود داشته است. از حدود ۱۷ هزار و ۶۶۶ شبکه ماهواره‌ای جهانی بیش از ۳ هزار شبکه در ایران قابل دریافت بود که از این تعداد ۳۸۰ شبکه به موسیقی‌های مبتذل، ۷۴ شبکه به تبلیغات مد و لباس و لوازم آرایش غربی، ۲۷۳ شبکه به تبلیغ ادیان ساختگی و ۲۳۵ شبکه به برنامه‌های مبتذل و غیراخلاقی اختصاص یافته بود و هر ساله نیز از سوی مجلس نمایندگان آمریکا ردیف بودجه‌ای به توسعه این شبکه‌ها اختصاص می‌یابد که اولین هدف این اقدام تداوم جنگ نرم علیه کشورمان می‌باشد.^(۶۱)

پی‌نوشت:

(۱) مرادی، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۲۳.

(۲) Perception Warfare.

(۳) عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۷۲-۷۳.

(۴) نفرشی، ۱۳۸۷.

(۵) غفاری، ۱۳۸۸.

(۶) عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۷۳.

ترکیه، روحیه علم جویی و حقیقت طلبی رشد کرده است زیرا آنجا ارزش های دینی را با علم مخلوط نکرده است.»

(۵۳) حسن واعظی، همان، (ص) ۱۷۷-۱۷۵ و ص ۱۸۸

(۵۴) هفته نامه راه نو، ۷۷/۵/۳، ش ۱۴، ص ۳۰ و ۳۲: «حل مشکلات کشور در گرو ارتباط با امریکا است.»

(۵۵) هفته نامه پیام هامون، ۷۷/۱۰/۱۹، ص ۱: «ولایت مطلقه فقیه همان حکومت مطلقه سلطنتی است.»

(۵۶) عبدالکریم سروش، روزنامه عصر آزادگان، ۷۹/۱/۲۰: «هیأت های مذهبی منشأ خشنونت اند و بسیجی ها، اعضای تشکیل دهنده این هسته ها می باشند.»

(۵۷) سعید حجاریان، هفته نامه مبین، شهریور ۷۹: «رهبری کاریزماتیک دینی به درد اصل جنبش و انقلاب می خورد و اگر پای آن به دوران ثبات و سازندگی کشیده شود، به استبداد دینی منجر خواهد شد.»

(۵۸) ماهنامه زنان، تیر ۷۷: «زن و مرد از حقوق مساوی برخوردارند و اجازه زن از مرد در امور خود، ظالمانه است.»

(۵۹) هفته نامه آبان، ۷۷/۵/۱۷، ش ۳۷، ص ۶: «قانون اساسی ما پشتوانه علمی ندارد، زیرا تدوین کنندگان آن با حقوق اساسی آشنایی نداشته اند.»

(۶۰) عبدالمجید اشکوری و حمیدرسایی، «بازی ترور: تحلیلی مستند و ناگفته از ترور سعید حجاریان و هجوم تبلیغاتی پس از آن»، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۱، صص ۴۲-۳۸

(۶۱) به طوری که تنها شیهات در هشت سال دولت اصلاحات ۲۳۵۰ عنوان است. (برقیانی، ۱۳۸۸: ۴) که شیهات سیاسی - اجتماعی مانند نقد ولایت فقیه، روحانیت، انقلاب، شورای نگهبان، دفاع مقدس، قانون اساسی و... حدود ۲۹/۴۰ و شیهات دین شناسی مانند دین و آزادی، مجازات اسلامی، ارزش های دینی و... ۱۸/۵۵ شیهات را به خود اختصاص داده اند.

(۶۲) نظافتی، ۱۳۸۸، ۵:

(۷) نفرشی ۱۳۸۷.

(۸) ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۲۱.

(۹) عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۷۴.

(۱۰) ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۲۳-۲۲۲.

(۱۱) عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۷۵-۷۴.

(۱۲) عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۷۵.

(۱۳) همان: ۷۵.

(۱۴) همان: ۷۶-۷۵.

(۱۵) جنگ نرم و وضعیت کنونی ما: ۱۵۳-۱۱۹.

(۱۶) Media War.

(۱۷) جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب جنگ نرم و وضعیت کنونی ما، ص ۲۵۰-۱۳۰.

(۱۸) جنگ نرم و وضعیت کنونی ما: ۲۳۴-۱۵۹.

(۱۹) Censorship.

(۲۰) Disortion.

(۲۱) To release a part of truth.

(۲۲) To Test for Confirm.

(۲۳) To truth Pretention instead of trath.

(۲۴) Rumour.

(۲۵) Spinning The Message.

(۲۶) Generality Tactic.

(۲۷) Timing Tactic.

(۲۸) Omission Tactic.

(۲۹) Dribble Tactic.

(۳۰) Lie Tactic Big.

(۳۱) To Create High Priority For A News.

(۳۲) To Tangle a Canard.

(۳۳) Proper To Take The News Out Of Its Context.

(۳۴) To use Two Factual News Items In Order To Legitimimize A False News.

(۳۵) To Play On The Emotions Of The Audience.

(۳۶) Promoting Special Interests Through News.

(۳۷) عبدی، ۱۳۸۸: ۷۵-۵۵.

(۳۸) عزت اله سبحایی، روزنامه خرداد، ۷۸/۸/۶: «به گفته امام علی علیه السلام هر شیوه حکومتی که مردم بر آن تفاهم کنند، همان مورد رضای خداوند است و تفاهم دینی و غیردینی معنا ندارد.»

(۳۹) مقصود فراسخو، هفته نامه توانا، ۷۷/۶/۲۲، ش ۲۸، ص ۸: «حقیقت ثابت نداریم؛ حتی در دست انبیاء و معصومین هم حقیقت ثابتی نبوده که بتوانند آن را برای همه ازمنه و امکنه دیکته کنند.»

(۴۰) اکبر گنجی در مصاحبه روزنامه تاگس اشینگل آلمان، روزنامه کیهان، ۷۹/۱/۲۴: «در یک جامعه مدرن جدایی دین از سیاست یک امر بدیهی است. ایران نیز در حال حاضر از فاز قبل مدرن به فاز مدرن پیش می رود.»

(۴۱) عبدالکریم سروش، هفته نامه آبان، ۷۸/۳/۲۹، ش ۸۰، ص ۶۳: «تفکر دینی با استخدام طبیعت منافات دارد یا حداقل خنثی است.»

(۴۲) عمادالدین باقی، روزنامه خرداد، ۷۸/۸/۱۹، ص ۶ (آیات قرآن صریحا اصل عیسی به دین خود موسی به دین خود را تأیید می کند و هرگز اهل کتاب یا حتی کافران و مشرکان را طرد نمی کند.

(۴۳) ابراهیم یزدی، هفته نامه پیام هاجر، فروردین ۷۷: «جامعه ولایی انحصارگر و مستبد است و ارزشی برای توده ها قائل نیست.»

(۴۴) باقر پرهام، هفته نامه راه نو، ۷۷/۵/۳: «دوران مدرن دوران حکومت و رهبری عقل است و دین باید به عرصه زندگی خصوصی باز گردد.»

(۴۵) مهرزاد بروجرودی، ترجمه علی صدیق زاده، ماهنامه کیان، مهر و آذر ۷۸، ش ۴۹، ص ۴۰ به بعد: «اسلام نیز چون مسیحیت در نهاد خود قابلیت عرفی شدن و سکولاریزه شدن را دارد و چنین امری در حال وقوع است.»

(۴۶) سید محمد خاتمی در اولین سالگرد دوم خرداد در دانشگاه تهران: «اگر دین هم در برابر آزادی قرار گیرد، این دین است که باید محدود شود نه آزادی.»

(۴۷) عزت الله سبحایی، روزنامه عصر آزادگان، ۷۸/۱۰/۱۶: «حتی معصومین علیهم السلام خود بخود بدون نظارت مردم و به طور اصولی در معرض انحراف هستند.»

(۴۸) سالار بهزادی، روزنامه صبح امروز، ۷۸/۸/۲۳: «سیره حضرت علی علیه السلام و سایر فرق مذهبی در صدر اسلام، دموکراسی در انتخاب رهبری و عدم تعیین رهبر برای مردم بوده است.»

(۴۹) محمد سعید حنایی کاشانی، ماهنامه کیان، فروردین ۷۸: «تراژدی حسین بن علی مشابه تراژدی آنتیگونه، تامس مور و جان پروکتور است.»

(۵۰) عبدالکریم سروش، روزنامه صبح امروز، ۷۸/۶/۱۶: «در تعارض تکالیف دینی و حقوقی بشر، حقوق بشر مقدم است ولی متأسفانه فقهای ما اطلاعات برون دینی ندارند و متوجه این نکات نیستند.»

(۵۱) روزنامه عصر آزادگان، ۷۸/۱۰/۱۶، ص ۵: «دولت هایی که از کشورگشایی وامانده اند برای حفظ تسلط خود بر مردم، آن ها را همواره از یک شیخ جهانخواه خارجی ترسانده اند.»

(۵۲) عبدالکریم سروش، روزنامه نشاط، خرداد ۷۸: «حکومت دینی جلوی رشد علمی را می گیرد. در نظام لائیک

جلسه پنجم

جنگ نرم و جمهوری اسلامی

کمیتۀ خطر!

پروژه دلتا یکی از موضوعات مورد بررسی و در واقع راهبرد پیشنهادی کمیتۀ خطر جاری در خصوص مسائل ایران می‌باشد که در مهرماه ۸۴ به دولت بوش پیشنهاد شد. این کمیتۀ جنگ سخت را بی‌فایده دانسته و خواستار توجه بیشتر دولت ایالات متحده به پروژه‌ی نرم افزاری «براندازی از دورن» شد! در این راستا مارک پالمر - از اعضای برجسته این کمیتۀ و چهره با نفوذ دستگاه سیاست خارجی آمریکا - اعلام نموده است:

«ایران به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در خاورمیانه و نظام بین‌الملل، به قدرتی کم‌بديل تبدیل شده که دیگر نمی‌توان با یورش نظامی آن را سرنگون کرد.»

در گزارش کمیتۀ خطر جاری که تحت عنوان «ایران - آمریکا، رهیافت جدید» توسط مارک پالمر جمع‌بندی و تدوین شد، تنها راه سرنگون سازی نظام جمهوری اسلامی، پیگیری مکانیسم‌های جنگ نرم و استفاده از تکنیک‌های عملیات روانی تبلیغاتی با استفاده از سه تاکتیک دکترین «مهار»، «نبرد رسانه‌ای» و «ساماندهی و پشتیبانی نافرمانی مدنی»، مورد تأکید و توصیه قرار گرفت. کارشناسان مسائل سیاسی با توجه به تجارت تدوین کنندگان این گزارش و تأثیر تصمیمات این کمیتۀ بر سیاست‌های دولت آمریکا معتقدند که این گزارش حتی اگر به دستورالعمل اجرایی تبدیل نشود، سیاست خارجی آمریکا در آینده از روح کلی آن، الهام خواهد گرفت.

این گزارش دارای ۱۵ محور کلی به ترتیب زیر است:

۱. ایران باید در صدر برنامه سیاست خارجی آمریکا در چهار سال آینده قرار گیرد. واشنگتن اکنون به رویکرد جدیدی نیاز دارد. باید همه نیروها برای این استراتژی بسیج شوند. باید درس‌های گذشته مورد بازبینی قرار گیرد، درس‌هایی که از فروپاشی بلوک شرق به یادگار مانده است و هم چنین درس‌هایی که از تغییر حکومت‌ها در کشورهایی مثل شیلی و اندونزی گرفته شد.

۲. این کشور علاوه بر برنامه هسته‌ای‌اش، با حمایت از گروه‌هایی چون حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی و گروه‌هایی در عراق، مانع تحقق منافع آمریکا در منطقه می‌شود. از سویی دیگر ثروت رو به رشد نفت ایران، توانایی و ظرفیت آن را در داخل کشور و منطقه افزایش می‌دهد. فرصتی که در این میان وجود دارد، استفاده از ضعف سیاست‌های اقتصادی و اختلافات درونی ایران است.

۳. دامن زدن به نافرمانی مدنی در تشکلهای دانشجویی و نهادهای غیردولتی و صنفی از ابزارهای مهم فشار بر ایران است.

۴. باید برای بازگشایی سفارت ایالات متحده در تهران ابراز تمایل کنیم. همزمان باید یکی از بلندپایه‌ترین مقامات خود را به عنوان فرد شماره یک، در این سیاست جدید انتخاب و معرفی کنیم. این فرد می‌تواند یکی از کنسول‌های وزارت خارجه باشد و باید به طور مرتب حمایت خود را از حقوق بشر و دموکراسی در ایران مورد تأکید قرار داد. از این طریق می‌توانیم ارتباط خود را با مردم ایران تقویت کنیم.

۵. اگر قرار است گفتگو و تعامل با ایران صورت گیرد، باید با مقامات با نفوذ ایرانی و آن‌ها که قدرت واقعی و کافی برای تصمیم‌گیری‌ها دارند، انجام شود.

۶. باید شبکه‌های متعدد رادیو و تلویزیونی را برای ایرانیان تدارک دید و پیام‌های خود را با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های روز، به دست مردم ایران

برسانیم.

۷. درباره فعالیت هسته‌ای ایران، باید با احتیاط و دوراندیشی و چند جانبه عمل کرد. باید فشارها را بر ایران بیشتر کرد و در صورت استنفاف ایران، پرونده این کشور را به شورای امنیت فرستاد. گرچه اولویت اول، اعمال فشار دیپلماتی از طریق متحدان است به گونه‌ای که ایران داوطلبانه از فعالیت‌ها و برنامه هسته‌ای خود چشم‌پوشی کند.

۸. حمایت از اپوزیسیون هم می‌تواند از عوامل مؤثر بر تغییر رژیم ایران باشد. ۹. باید فعالیت NGO ها را در ایران تسهیل کنیم و به صدور ویزا همت گماریم. دعوت فعالان جوان ایرانی به خارج، برای شرکت در سمینارهای کوچک هم، اقدام مهمی است. این کار در صربستان، فیلیپین، اندونزی و شیلی و کشورهای دیگر جواب داده است.

۱۰. سفارتخانه‌های کشورهای دیگر هم می‌توانند در تهران برای ما مؤثر باشند. حضور در جلسات محاکمه، درخواست مشترک برای آزادی زندانیان سیاسی، کمک مالی به خانواده‌های زندانیان و گروه‌های مخالف حکومت و حتی نظارت یا مشارکت در اعتراض‌ها، از جمله این راه‌های تأثیرگذار است. کنگره باید تصویب قانونی به نام «آزادی ایران» را بررسی کند تا حمایت کافی از آن را به عمل آورد.

۱۱. تضعیف ستون‌های حمایتی حکومت ایران که همانا سرویس‌های امنیتی و نظامی این کشور می‌باشند، باید در دستور کار قرار گیرند.

۱۲. باید رهبران روحانی ایران را که در رأس قدرت هستند، وادار کرد از قدرت سیاسی به صورت مسالمت‌آمیز کناره بگیرند.

۱۳. باید قدرت بسیج و سپاه را از میان برد و در وزارت اطلاعات تغییرات اساسی ایجاد و یا به طور کلی آن را حذف کرد.

۱۴. گفتگو با دولت ایران هم باید در دستور کار باشد. ما باید تعامل خود را برای دیدار با مقامات ایران و بحث و گفتگو درباره موضوعات مورد علاقه و نگرانی دو طرف نشان دهیم.^(۱)

بسترها و زمینه‌های موفقیت دشمن در جنگ نرم

۱. گسترش رفاه‌طلبی و تساهل

اتخاذ برخی سیاست‌های اقتصادی در سال‌های پس از جنگ و در دولت سازندگی، با حرکت به سوی توسعه و رفاه جامعه و کم‌رنگ شدن عدالت اجتماعی، خواسته و ناخواسته زمینه‌ساز تغییر و تحولات در بینش و به تبع آن سبک و مدل زندگی مردم به ویژه در شهرهای بزرگ شد که تفاوت‌های سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر شعار تساهل و تسامح در دولت اصلاحات نیز به تشدید این روند دامن زد.

۲. تقویت جریان سکولار

تسامح و تساهل و تغییر سبک زندگی، زمینه مساعدی را برای ظهور و گسترش اندیشه‌های لیبرالیستی و سکولاریستی را فراهم کرد. تقویت جریان موسوم به روشن‌فکری دینی و آرایه قرائت‌های مختلف از دین و طرح مقولاتی چون تکثرگرایی دینی و تفکیک دیانت از حکومت و... در سال‌های اخیر در جهت تقویت جریان سکولار بود.

۳. تضعیف نظام فقهی و جایگاه مراجع تقلید

به دلیل پیوستگی و ارتباط تنگاتنگ بین دو مجموعه نظام و روحانیت به ویژه مراجع معظم تقلید، هرگونه تضعیف این رابطه یا به چالش کشیدن شدن آن می‌تواند بستر مناسبی را برای تضعیف پشتوانه دینی نظام و سرخوردگی و روگردانی دین‌داران از نظام و در نتیجه زمینه مناسبی برای پیشبرد جنگ نرم به

است که با شناسایی و تقویت آن‌ها می‌تواند خود را در برابر دشمن مقاوم سازد. برای مثال در ایران «معنویت»، «ایدئولوژی اسلامی»، «پیشینه فرهنگی و تاریخی طولانی»، «حماسه‌آفرینی‌ها»، «مرجعت»، «تنوع نظام مردم‌سالاری دینی»، «نفوذ رهبری» و... می‌توانند به عنوان قدرت نرم، از مهمترین بنیان‌ها و اهرم‌های ثبات و مقابله با جنگ نرم باشند.

۳. عملیات روانی متقابل؛ عاملان تهدید نرم از تبلیغات، روش‌های نفوذ اجتماعی و عملیات روانی جهت تغییر نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های جامعه هدف، استفاده می‌کنند. با عملیات روانی و تبلیغات خلاقانه متقابل می‌توان از دامنه تأثیر روش‌های مورد استفاده دشمن کاست.

۴. گسترش دامنه و شمول فعالیت‌های فرهنگی و افزایش فرآورده‌های فرهنگی جذاب؛ شهروندان یک جامعه اغلب جذب آن دسته از گروه‌های فرهنگی می‌شوند که از نظر آنان از جذابیت بالایی برخوردار باشند. همچنین آنان آن دسته از محصولات فرهنگی را مورد استفاده قرار می‌دهند که جالب، جذاب، بدیع و مطبوع باشد. بنابراین با ایجاد و گسترش گروه‌های فرهنگی جذاب و عرضه فرآورده‌های فرهنگی و هنری مطلوب، می‌توان از دامنه تأثیر تهدیدات نرم دشمن فروکاست.

۵. خلع سلاح روانی اپوزیسیون؛ اپوزیسیون همواره در پی آن است تا با شعارهای جذاب و وعده بهبود شرایط بهتر زندگی، توده مردم جامعه را جذب نماید. پیداست که وقتی نظام حاکم خود چنین شرایطی را برای شهروندانش فراهم سازد، زمینه جذب مردم توسط اپوزیسیون را از میان می‌راند.

۶. استفاده از راهبردهای ویژه در مورد اقوام و اقلیت‌ها؛ اقلیت‌های جامعه اغلب به سبب داشتن احساس نابرابری، زمینه مخالفت‌ورزی علیه نظام حاکم هستند^(۳) اما زمانی که نظام حاکم با اجرای راهبردهای مناسب اطمینان خاطر برای آنان فراهم آورد. می‌تواند از آنها به عنوان فرصتی جهت تقویت خود استفاده نماید.

۷. تبدیل قدرت نرم دشمن به فرصتی برای افزایش قدرت نرم خود؛ حکومت‌ها با اتخاذ راهبرد مناسب و تدابیر خردمندانه و دقیق نه تنها می‌توانند از تبدیل شدن قدرت نرم دشمن به تهدید برای خود ممانعت کنند، بلکه می‌توانند آن را به فرصتی برای رشد و تعالی خویش تبدیل نمایند.^(۴)

ابعاد قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی ایران
قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی ایران و آرمان‌ها و هنجارهای انقلاب در سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی توانست راه‌گشای ملت‌های مسلمان و نیز ملل جهان سومی و مستضعف گردد و ضمن احیای هویت جهان اسلام، ارتقای بیداری اسلامی، به بازسازی تمدن اسلامی بر اساس تکیه بر خودباوری فرهنگی و پرچمداران انقلاب فرهنگی جهانی اهتمام ورزد.

الف. در سطح تحلیل داخلی

براساس زیرساخت‌ها و الزامات فکری و فرهنگی سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام، تعمیق معرفت و بصیرت دینی آحاد جامعه و تقویت و تحکیم ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در حوزه‌های فردی و اجتماعی و همچنین برجسته‌سازی مستمر و همه‌جانبه اندیشه‌های دینی و سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و تعمیق تفکر و فرهنگ بسیجی در زمره اولویت‌های نرم‌افزاری نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌گردد. افزون بر این می‌توان به ابعادی از قدرت نرم افزاری انقلاب اسلامی ایران از جمله رهبری امام خمینی، وحدت و اعتماد ملی، توسعه دانایی محور، جنبش نرم‌افزاری و سیاست فرهنگی اشاره کرد.

۱. رهبری امام خمینی(ره): رهبری امام خمینی(ره) را می‌توان در ارائه

وجود آید. در این راستا تحریکات و تحرکات دشمنان بسیار آشکار است.

۴. شایعه‌ناکارآمدی نظام اسلامی
در این سه دهه یکی از محورهای اصلی تبلیغات دشمنان، ناکارآمد نشان دادن نظام اسلامی بوده است. میزان پذیرش این محور از سوی مردم بسته به نحوه عمل مجموعه قوا و نهادهای حکومت است.

۵. رشد جمعیت جوان
فارغ از مضیقه‌های اقتصادی که به جهت تقاضای بالای این نسل در مقولاتی چون اشتغال، ازدواج و مسکن رخ می‌دهد، جوانان اصلی‌ترین گروه هدف تهاجم فرهنگی و جنگ نرم هستند، تحریک جوانان در جهت طرح مطالبات بیش از حد و اعتراضات آنها در فضاهای دانشگاهی و کارگری زمینه مساعدی برای سوء استفاده دشمن را فراهم می‌کند.

۶. تعمیق و تراکم شکاف‌های اجتماعی موجود
از دیگر بسترهایی که زمینه را برای پیشبرد جنگ نرم دشمن در کشور مهیا می‌کند، تعمیق و گاه تراکم شکاف‌های اجتماعی است و فاصله انداختن میان نسل اول، دوم و سوم انقلاب، فاصله انداختن میان پدر و مادر و فرزندان و فاصله انداختن میان مسئولین، مردم و فاصله انداختن میان قومیت‌ها و مذاهب به رسمیت شناخته شده در کشور است. چنین شکاف‌هایی زمینه فعالیت‌های نرم دشمن را فراهم می‌شود و میزان تأثیرگذاری این قبیل فعالیت‌ها بالا می‌رود.

عوامل تشدید کننده موفقیت دشمن در جنگ نرم

۱. فقر کار تئوریک
در آستانه دهه چهارم انقلاب نیازمند نظریه‌پردازی‌هایی هستیم که اولاً دغدغه تطبیق مبنایی با زیرساخت‌های اسلامی - ایرانی را داشته باشند و ثانیاً توجه داشته باشند که برای استقرار جمهوری اسلامی در جهان باید استراتژی تدوین شود.

۲. ابهام در سیاست فرهنگی رسمی نظام
علی‌رغم وجود نهادها و سازمان‌های عریض و طویل فرهنگی اما هنوز نمی‌توان از وجود یک سند مدون، جامع و رسمی به عنوان سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی سخن گفت. سندی که مبنای عمل و مراجعه تصمیم‌گیران و مدیران و فعالان فرهنگی و افکار عمومی باشد و رسماً به اطلاع همه رسیده باشد و همگان لااقل در مقام قانون بر آن اتفاق داشته باشند و محوریت آن را بپذیرند.

۳. عمل زدگی مسئولین و مدیران فرهنگی
به تبع فقدان سیاست فرهنگی مدون و رسمی نظام و فقر نظری، مسئولین نهاد‌های فرهنگی در مواجهه با مسایل و تنگناهای پیش‌آمده بیش‌تر دست به دامن آسان‌ترین و معمول‌ترین روش‌ها می‌شوند و به جای حل ریشه‌ای معضلات و چالش‌ها سراغ گزینه‌هایی رفته‌اند که در کوتاه مدت معضل را حل کند.^(۵)

روش‌های مقابله با تهدیدات نرم
با بهره‌گیری از سازوکارهای مختلف، هم می‌توان از اعمال تهدیدات نرم پیشگیری کرد و هم می‌توان با مداخله‌های مؤثر، دامنه تأثیرات آن‌ها را از میان راند. برخی از آن روش‌ها عبارتند از:

۱. واکسیناسیون فرهنگی جامعه؛ منظور از واکسیناسیون آگاه ساختن جامعه از انواع تهدیدات دشمن و ارائه راه‌حل مقابله با آن است. شواهد پژوهشی متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد «پیش‌آگهی»، افراد را در مقابل تغییر باورها و نگرش‌ها مصون و مقاوم می‌سازد.

۲. تقویت اهرم‌های قدرت نرم؛ هر کشوری دارای برخی منابع قدرت نرم

است.

ب. در سطح تحلیل منطقه‌ای

در زمره ابعاد قدرت نرم افزاری انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای می‌توان به مواردی از جمله بازسازی تمدن اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، احیای هویت جهان اسلام، محوریت ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم اشاره کرد که به طور مختصر به تحلیل آن پرداخته می‌شود:

۱. بازسازی تمدن اسلامی؛ انقلاب اسلامی ایران با ایجاد خودباوری فرهنگی در میان ملت‌های مسلمان و بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن ارتباطی برای انتقال پیام نواندیشی دینی در جهان اسلام توانست رویکرد تمدنی خود را به ظهور رساند.

افزون بر این، انقلاب اسلامی تقویت بنیادهای تمدن اسلامی را از رهگذر رفتار مسالمت‌آمیز و تعامل جوامع مسلمان بر اساس همکاری فرهنگی و بازرگانی و تحکیم روابط دوستی و مودت و اخوت و اهتمام رهبران به خواسته‌های ملت‌های مسلمان و تأکید بر تبادل اندیشه‌ای میان تمدن اسلامی زمینه‌سازی کرد.

۲. ارتقای بیداری اسلامی؛ انقلاب اسلامی توانست با ارتقای آگاهی و بیداری گسترده در بین مردم مسلمان، محروم و مستضعف جهان اسلام، روحیه شهامت و شجاعت لازم در آنان را برای مبارزه ایجاد کند و با ایجاد خودباوری نسبت به توان و امکانات درونی و تشویق لزوم شناخت فروتن نسبت به تجربه تاریخی و عملی جنبش آزادی‌بخش، جرأت حرکت‌های مردمی را برای مبارزه بر اساس اندیشه‌های انقلابی اسلام فزونی بخشد.

۳. احیای هویت جهان اسلام؛ انقلاب اسلامی ایران نشان داد که دین می‌تواند عنصری تأثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جهانی قلمداد گردد و جهان اسلام با تکیه بر باورها و هنجارهای بومی از توان و قدرتمندی لازم برای شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی برخوردار است. انقلاب اسلامی این خودباوری را به ملت‌های مسلمان اعطا کرد که می‌توان با شناخت دقیق از فرهنگ اسلامی و باز تعریف آرمان‌هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و با تکیه بر الگوی تفکر، آگاهی، تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی باب خلاقیت اسلامی را گشود.

۴. محوریت ثبات منطقه‌ای؛ انقلاب اسلامی ایران با ایفای نقش سازنده در زمینه بازتولید منافع مشترک منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم، توسعه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، حمایت از روند ثبات منطقه‌ای بر اساس امنیت دسته‌جمعی، تبیین الگوی توسعه همه‌جانبه و درون‌زا، بیداری اسلامی و احیای تفکر و ارزش‌های دینی، الهام‌بخشی در خاورمیانه براساس الگوی مردم‌سالاری دینی، تبیین مدل بومی اصلاحات درون‌زا در نظام‌های خاورمیانه، بهره‌گیری از قدرت اطلاعاتی و رسانه‌ای برای تبیین پیام عدالت، صلح و عزت، پیروی از الگوی تعامل مؤثر و سازنده با کشورهای اسلامی، اتخاذ دیپلماسی فعال و مؤثر در سیاست خارجی بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، عضویت فعال و اثرگذار در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهت ارتقای نقش دین در عرصه تصمیم‌سازی، تقویت راهبرد، تقویت جایگاه ایدئولوژی در نظام تصمیم‌گیری منطقه‌ای و جهانی، گسترش همکاری‌های سازنده، مؤثر و چندجانبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای براساس «منطقه‌گرایی نوین» و ارتقای سطح آگاهی و بیداری ملت‌های منطقه، توانست به اتخاذ تمهیداتی خلاق و سازنده برای تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و یا خلق فرصت‌های نوین مبادرت ورزد.

۵. جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمایت از حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش به ویژه در فلسطین از نقش

ارزش‌هایی دانست که مردم را به پیروی آگاهانه از فرامین ایشان با توجه به جذابیت باور قلبی مردم مشاهده کرد. به جهت حفظ ارزش‌های اسلامی با رهبران کارپزما جهانی متفاوت می‌باشد.

۲. اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛ انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از اعتماد عمومی به عنوان سرمایه اجتماعی و بعد چهارم قدرت توانست به تعمیق وحدت و همبستگی ملی و تجمیع کلیه اقشار و گروه‌ها و دستجات مذهبی کشور همت گمارد و با بهره‌مندی از مشارکت عمومی و عدالت‌خواهی را در جامعه گسترش بخشد. وفاق اجتماعی به عنوان مظهر قدرت نرم توانست به ایفای کارکردهایی چون همفکری، همکاری و تعامل میان گروه‌های مختلف اجتماعی بیانجامد.

۳. توسعه دانایی محور؛ انقلاب اسلامی ایران زمینه را برای اهتمام همزمان به توسعه چند بعدی در ابعاد علمی، فرهنگی، اخلاقی، دینی و اجتماعی علاوه بر توسعه سیاسی و اقتصادی فراهم آورد.

انقلاب اسلامی رویکرد توسعه دانایی محور را برای تبدیل کشور به جامعه‌ای دانش بنیان اتخاذ کرد تا علم و اندیشه مسیر حیات فردی و جمعی را مشخص سازد و فرآورده‌های علمی با خود اقتدار، صلابت و عزت را به ارمغان آورد و نقش مؤثری در تأمین امنیت و آرامش اجتماعی ایفا کند.

۴. جنبش نرم‌افزاری؛ انقلاب اسلامی ایران توجه به نوآوری و نواندیشی را در صدر اولویت‌های خود قرار داد به گونه‌ای که رهبر فرزانه انقلاب خواستار تحقق جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و فراگیر شدند. این حرکت و نهضت مبتنی بر مؤلفه‌های زیر بود:

ایجاد فرهنگ تولید علم، ارتقای قدرت علمی و جرأت علمی، پرورش و شکوفایی استعدادها، نفی الگوپذیری تقلیدی از فرهنگ غرب، ایجاد تحولات و پیشرفت‌های علمی در چارچوب ارزش‌های دین‌مدار، ارتقای روحیه خودباوری و اتکاء به نفس و اندیشه و اراده خودی، استفاده از ظرفیت‌های علمی بومی، تقویت بنیه پژوهش کشور، تعالی و رشد اقتصادی و علمی کشور با هویت بخشیدن به مراکز علمی، پیوند مفاهیم و اخلاق دینی با علم روز، ایجاد خلاقیت و نوآوری علمی، اهتمام به فراگیری علم و دانش با ارتقای ایمان و معنویت، عنایت به آزاداندیشی، دین‌باوری و نواندیشی دینی و نفی تحجر و جزم‌گرایی و تفکر و فرهنگ وارداتی غرب، هوشیاری در برابر تئوری‌های وارداتی، نفی تفکر تقلیدی و تبعی و اهتمام به فکر استقلالی به منظور پرهیز از انفعال و مجذوبیت و مبهوت بودن در برابر تحلیل‌های بیگانه، اهتمام به تولید علم و بومی کردن آن بر مبنای فرهنگ ملی و ارتقای توسعه انسانی، گسترش و اعتلای جنبش نرم‌افزاری در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی بر اساس اصول و ارزش‌های ایران اسلامی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه و اعتلای فعالیت‌های تحقیقاتی پیرامون نوآوری و دستیابی به فناوری‌های نوین.

۵. سیاست فرهنگی؛ انقلاب اسلامی ایران با هدف نشر و گسترش اندیشه و پیام اسلام، استقلال فرهنگ، تکامل روحی و اخلاقی، تحقق کامل فرهنگ اسلامی در عین اهتمام به درک مقتضیات زمان، اولویت خود را بر برنامه‌ریزی و اصلاح فرهنگ جامعه و نهادینه کردن آن مطابق با نیازهای توسعه در جامعه دینی قرار داد و سیاست فرهنگی برگرفته از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی بر اساس احترام به کرامت انسانی، سرشت معنوی بشر، خیرخواهی، کمال‌جویی، آرمان‌طلبی، استقلال‌گرایی، آزادی‌خواهی، عزت‌نفس و قدرت ایمان را محور فعالیت‌های خود قرار داد.

تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و آزاداندیشی، خردورزی، نظریه‌پردازی و نواندیشی دینی و نمونه‌هایی از راهبردهای فرهنگی انقلاب اسلامی است. هم‌چنین مقابله با خرافات و موهومات و جمود و تحجر فکری، مقدس‌مآبی و ظاهرگرایی و مقابله با افراط در تجددطلبی و خودباختگی در برابر بیگانگان. نشانه ارتقای آگاهی‌های دینی و بنیان‌گرایی سیاست فرهنگی انقلاب اسلامی

در زمره‌ی آسیب‌های سیاست فرهنگی به عنوان خطمشی نرم‌افزاری نظام مردم‌سالار دینی می‌توان به موارد زیر به عنوان موانع فراروی تحقق قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی اشاره کرد:

۱. عدم برنامه‌ریزی جامع و همه‌جانبه‌نگر به دلیل نبود یک سیستم ملی در برنامه‌ریزی آموزشی و روزمرگی و عدم هماهنگی سیاست‌های فرهنگی با سایر برنامه‌های توسعه کشور.

۲. عدم اتخاذ سیاست‌های تعاملی، پویا، ایجابی، هوشمندانه و سنجیده متناسب با پیش‌بینی آینده‌ی فرآیندهای جهانی و منطبق با شناخت وضعیت طبقات و اقشار اجتماعی در داخل کشور.

۳. سیاست‌زدگی فرهنگی یا استیلای سیاست بر فرهنگ به جای تعامل و همگونی بین چهار حوزه سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد.

۴. آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از فقر، فساد و تبعیض که منجر به بی‌ثباتی و ضعف فرهنگی می‌گردد.

۵. انفعال و خودباختگی روشنفکران سکولار و غریزه نسبت به فرهنگ غربی و غفلت آنان از تهاجم فرهنگی از بیرون و درون کشور.

۶. فقدان برنامه‌ریزی در نظام آموزشی کشور در جهت اسلامی شدن محیط دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش.

۷. فقدان راهبرد مناسب و کارآمد در جهت به کارگیری همه توانائی‌های فکری و فرهنگی کشور و نیز فقدان سیاست منسجم فرهنگی برای رشد خلاقیت‌های فردی و مشارکت‌های جمعی و گروهی فرهنگی.

۸. افزایش تبلیغات رسانه‌های غربی علیه اسلام جهت ایجاد جو اسلام‌هراسی در جوامع خویش از رهگذر تبلیغ مواردی چون پیوند بنیادگرایی اسلامی با تروریسم، عدم سازگاری اسلام با دموکراسی و استفاده ابزاری از دین در کشورهای اسلامی و به طو کلی القای برداشت‌های نادرست از برخی مفاهیم دینی.

۹. فقدان سیستم مناسب ارزیابی و کنترل کیفی عملکردهای فرهنگی در داخل کشور.

۱۰. وجود شکاف بین مدیریت‌های فرهنگی و مراکز تحقیقاتی و به طور کلی بی‌توجهی به امر مطالعه و پژوهش در امور و فعالیت‌های فرهنگی.

ب. راهکارهای تقویت و گسترش توان‌بهره‌گیری از قدرت نرم در انقلاب اسلامی

به نظر می‌رسد بهترین راه ارتقای توان بهره‌گیری از قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی اهتمام به اصلاح مدیریت فرهنگی در کشور باشد. در این زمینه می‌توان به برخی راهکارها برای ارتقای سیاست فرهنگی کشور و توان نرم‌افزاری انقلاب اسلامی اشاره کرد:

۱. هماهنگی میان سیاست‌های فرهنگی بخش دولتی و غیردولتی.
۲. مشخص کردن ضوابط و قوانین حاکم بر سیاست‌های فرهنگی.
۳. ایجاد انگیزه و تشویق فعالیت‌های فرهنگی در ابعاد اجتماعی، راهبردی، مالی و رسانه‌ای.

۴. برنامه‌ریزی جامع و فرابخشی و طراحی فرهنگی با در نظر گرفتن اصول ارزشی، امکانات و تسهیلات و ابزارهای موجود و اراده مردم و نخبگان و نیز تدوین سیاست‌های فرهنگی جامع، صریح، روشن و هدفمند براساس ملاحظات فرهنگی جامعه داخلی و بین‌المللی.

۵. ایجاد وفاق بین نخبگان فکری، فرهنگی و سیاسی به منظور برقراری وحدت و ثبات سیاسی و فکری در جامعه و سرمایه‌گذاری در ایجاد و گسترش مشارکت جمعی بر اساس تقویت ارزش‌های مشترک فرهنگی و نیز توزیع گسترده‌ی برخی مفاهیم و واژه‌های فرهنگی و مفهوم‌سازی ارزشی.

و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. انقلاب اسلامی ایران با تبیین اینکه «اسلام راه‌حل، و جهاد وسیله اصلی است» به مبارزات مردم فلسطین و انتفاضه آنان جنبه‌ای فراملی بخشید و مبارزه با رژیم صهیونیستی را جهانی کرد.

ج. در سطح تحلیل بین الملل

شرایط بروز قدرت نرم طی سال‌های اخیر به شکلی باورنکردنی تغییر یافته است. حجم گسترده اطلاعات و جهانی شدن، جهان را دستخوش تغییرات بنیادین ساخته است و موجب شکل‌گیری جوامع و شبکه‌های مجازی شده که مرزهای کشورها را در هم نوردیده و همکاری‌های فراملی قدرت نرم سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی موجب جلب و جذب شهروندان برای ایجاد ائتلاف‌های بین ملتی شده است.

واقعیت آن است که در جهانی که همه از اطلاعات اشباع هستند آنچه از اهمیت برخوردار است اطلاعات نیست بلکه توجه ماست و این توجه به طور طبیعی به سمت اطلاعات معتبرتر جلب می‌شود. از این رو شایسته است انقلاب اسلامی با به چالش کشیدن فرهنگ غرب، پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی برافراز کند.

۱. پیدایش قدرت سوم در نظام بین‌الملل

انقلاب اسلامی ایران براساس اصل «نه شرقی و نه غربی» توانست علاوه بر شکستن ایهت استکبار جهانی و قطع دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورهای مستضعف، پیام و راه ثالثی را به جهانیان عرضه کند که بر استقرار و اجرای عدالت، اجرای قوانین و مقررات الهی، تکیه بر آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خداوند، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی، مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی، تأمین حقوق همه جانبه مستضعفان، نفی استعمار و سلطه خارجی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان، قوت بخشیدن به قدرت اسلام و مسلمانان، گسترش فرهنگ اسلامی و اعتقادات معنوی در سراسر جهان و تحکیم وحدت امت اسلامی در جهت استقرار عدالت و نفی سلطه قدرت‌های استکباری تأکید می‌ورزد.

بدین ترتیب، انقلاب اسلامی ایران توانست عملاً قدرت و قطب سوومی را در جهان ایجاد کند. بروز قطب و قدرت سوم در عرصه جهانی به دلیل عدم وابستگی به قطب‌های پذیرفته شده‌ی جهانی ناشی از اعتقادات دینی، ایمانی و اسلامی و حمایت و پشتیبانی گسترده مستضعفان جهان از آرمان‌های انقلاب بود که توانست نظم تحمیلی مبتنی بر سرمایه‌داری و کمونیسم را بشکند.

۲. پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی

انقلاب اسلامی ایران با تبیین اندیشه تحول بر مبنای معنویت و اسلام و احیای دین در سطح جهان توانست ضمن به چالش کشیدن مکاتب مادی و ضد ارزش ساختن سلطه‌گری قدرت‌های جهانی به دگرگون‌سازی معادلات سیاسی بین‌المللی مبادرت ورزد.

موانع و راهکارهای ارتقای قدرت نرم در روند تکاملی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران گرچه توانست جایگاه و اهمیت قدرت نرم را با توجه به نقش فرهنگ انقلاب اسلامی در جهان اسلام را از حاشیه به متن بکشاند و تعادل قدرت را در عرصه بین‌المللی به نفع کشورهای جهان سوم رقم زند ولی لازم است به آسیب شناسی سیاست‌های قدرت نرم پرداخته شود و سپس راهکارهای تقویت و گسترش توان و بهره‌گیری از قدرت نرم مورد دقت قرار گیرد:

الف. آسیب‌شناسی جایگاه و نقش قدرت نرم در انقلاب اسلامی

۶. تقویت آموزش در جهت ترویج و گسترش فرهنگ عمومی کمال جویی، علم‌طلبی، صداقت و سلامت و ارتقای آگاهی‌های مدیران و کارکنان نهادهای فرهنگی.

۷. محوریّت قانون و قانونگرایی در تمامی کنش‌های فرهنگی و رفتارهای اجتماعی، رعایت حقوق شهروندی و منزلت و کرامت انسانی و حیثیت اجتماعی و پرهیز از بروز بحران‌ها و تنش‌های قومی.

۸. ترویج و تحکیم آموزه‌های مکتب اسلام و اندیشه حضرت امام در باور و عمل مسئولان و احاد جامعه، بسیج دستگاه‌های تعلیم و تربیت کشور و تحرک جدی و تلاش عمیق و هماهنگ آنان در جهت گسترش ارزش‌ها و هنجارهای بومی و تقویت فرهنگ بسیجی شامل فرهنگ ایثار، شجاعت، عزت نفس، تواضع، اخلاص، تسلیم و بندگی در برابر خدا، غیرت و حیا، حق‌مداری و مسئولیت‌پذیری.

۹. تحرک فعال نهادهای فکری، آموزشی، تبلیغاتی و فرهنگی در جهت ارتقای قدرت نرم‌افزاری ایران از رهگذر تصویرسازی مثبت رسانه‌ای، تحرک سازمان‌یافته نرم‌افزاری، نظریه‌پردازی و اندیشه‌ورزی و تقویت جنبش نرم‌افزاری در حوزه‌های فردی و اجتماعی.

۱۴. بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی برای درک پیام‌های انقلاب اسلامی توسط دیگران و تلاش برای انتقال مفاهیم به صورت زیبا و جذاب و تلاش برای زدودن چهره افراطی‌گری از اسلام و خرافه‌زدایی از دین.^(۵)

پی‌نوشت:

(۱) مرسله، بی تا: ۵۲-۴۹.

(۲) جنگ نرم و وضعیت کنونی ما: ۲۶۷-۲۵۱.

(۳) احدی، ۱۳۸۲.

(۴) مرادی، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۳.

(۵) جنگ نرم: ۸۳-۱۱۳.